

واژه‌های همانند در پهلوی و کردی

گردآورده :

صدیق صفی زاده (بوره‌کشی)



دارای ۱۵۹۱ واژه پهلوی

چاپ رشیدی

PIR

۳۲۵

۸۲۳

واژه‌های همانند در پهلوی و کردی

گرد آورده :

صدیق صفی زاده (بوره که تی)

دارای ۱۵۹۱ واژه پهلوی

صدای سیمای جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه

مرکز مهاباد

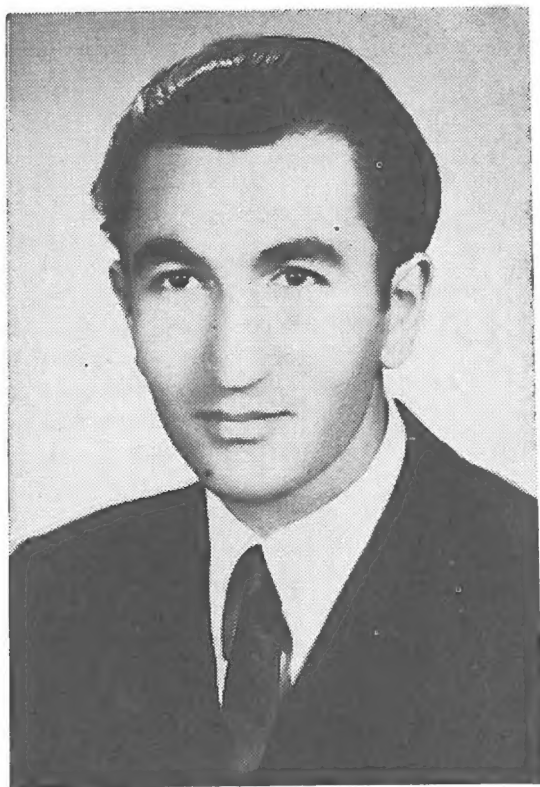
شماره ثبت ۱۲۷۹۹

تاریخ ثبت ۹۶/۷/۹

شماره رده بندی کنگره PIR

۳۲۵۹

۱/۳۲۳۵۷



صدیق صفی زاده

سرگرمی و تفریح

پیش‌گفتار

درب برخی از نوشته‌های دانشندان کردی همین‌که زبان کردی را دور
فنائی از زبان پهلوی، یا هم‌ریشه و هم‌پایه با آن میدانند. چنانکه استاد گیلو
مکریانی در رویهٔ ۷۶۷ فرهنگ خود بنام فرهنگ مهاباد، کتاب دینکرد پهلوی
را از نوشته‌های باستانی کردی یاد میکند و بویژه گویشهای تیره‌های لُروکلُر
و شُوان را همان زبان میدانند. دانشمند بزرگ آیه‌الله مردوخ کردستانی
نیز در رویهٔ ۴۵ بخش نخست تاریخ مردوخ، از هم‌پایه‌نگی پهلوی و کردی سخن
میراند و گویش لری را از نزدیکترین گویشهای کردی به پهلوی یاد میکند.

در این چند سال که برای فراهم آوردن و بی‌چاپ رساندن بخش یکم و
دوم فرهنگ کردی و کتاب خسرو شیرین خانای قبادی با استاد اورنگ
همکاری میکردم، دیدم ایشان هم دارای همین رای و اندیشه هستند و یکی از
برنامه‌های آینده‌شان این است که در این باره کتابی بنویسیم و این را از
آشکار سازیم.

پس از گفت و گو، سرانجام کار، این برنامه را به گردن من انداختند و
مرا برای انجام دادن آن دلگرمی دادند. من هم که دلباخته چنین کاری
هستم، با خرسندی فراوان پذیرفتم و سرگرم کار شدم. در بررسی و سنجشها
که میکردم، میدیدم بها بخور است که گفته‌اند و نوشته‌اند. یعنی بسیاری از
واژه‌های کردی، همان واژه‌های پهلوی و یا اینکه هم‌پایه‌نگ و هم‌ریشه با آنهاست.

با ژرف بینی هر چه بیشتر، واژه های پمانند و همآهنگ را از فرهنگ پهلوی
و فرهنگهای کردی بیرون آوردم و پهلوی هم گذاشتم و سنجیدم و به این
پیکره در آوردم که اینک بدست خوانندگان میرسد.
پس از آنکه کارم را با انجام رساندم، بر دم به اورنگ والا گهر نشان دادم.
دیدم بسیار شادمان شدند و با مهرورزی فراوان و آمادگی نشان دادن
برای کمک در چاپ کتاب، گفتند چون دانشمند گرانمایه آقای دکتر صادق
کیا معاون وزارت فرهنگ و هنر و استاد دانشگاه، در زبان پهلوی آگاهی
کافی بسنده دارند و بویژه این زبان را در دانشگاه درس میدهند، بهتر این
است بایشان هم نشان بدهید.

من هم چنین کردم و کتاب را بر دم به استاد کیا نشان دادم. بسیار
خوششان آمد و با شیوه بزرگواری و بلند منش به من مهرورزی کردند و کام
را از راه نمایانن شاخه های از فرهنگ و دانش ایران سودمند دانستند
و برخی راهنمایی های هم کردند که آنها را نیز به کار بستم.

با آنچه گفته شد، خدا را سپاس میگویم و در پیشگاه امام میهن سرفرازم
که توانستم گوشه ای از فرهنگ و زبان ایران زمین و بویژه راز هستگی آنها
را نمایان سازم و از این راه ارمانی به پژوهندگان و بویژه ایران دوستان
و میهن پرستان پیشکش نمایم.

در اینجا شایسته می دانم از رادمرد مزداپرست بلند منش و ایران دوست
آقای مهربان فرهنگی کرمانی سرپرست شرکت داروئی فرهنگی سپاسگزاری
کنم که در هزینه چاپ این کتاب به من کمک کردند و مایه پیشرفت کارم

رافراهم آوردند. از خدا میخواستیم که در زندگی کامیاب و شاد و خرم
باشند.

پاینده ایران

صدیق صفی زاده (بوره که ئی)

تهران - تیرماه ۱۳۵۰

شیوه کار

در این کتاب چنانکه دیده میشود، نخست واژه های پهلوی را نوشته ام . پس از آن معنی واژه ها را با فارسی سمره یاد کرده ام . سپس برای نشان دادن گویشهای بهمانند و بهمانگ با واژه های پهلوی ، دو کمان باز کرده و واژه های کردی را از گویشهای گوناگون ، با شماره گذاری ورده بندی در میان دو کمان گذاشته و کوتاه شده نامهای گویشها را هم در پشت سر هر دسته از واژه ها آورده ام تا دانسته شود هر کدام از واژه ها وابسته به کدام یک از گویشها میباشد .

نامهای کوتاه شده از گویشها

چنانکه گفته شد ، در پشت سر هر دسته از واژه ها ، کوتاه شده نام هر یک از واژه ها را گذاشته ام . این نامهای کوتاه شده که هر کدام نمودار یکی از گویشهاست ، بدینسان میباشد :

سو = سورانی - ار = اردلانی - کب = کلهری - با = بادینانی
- زا = زازائی - گ - گورانی - ه - هورامی - ل = لری - ف - فیلی - مک = مگری .

واتهای نشانه دار

در پهلوی و کردی به برخی واژه ها برخورد میکنیم که دارای آهنگهای ویژه ای هستند . مانند واو ناپیدا ، یای ناپیدا ، واو ناپیدا بهمان است که

بنام (دوا و معدوله) خوانده میشود. یای ناپیدا هم میانه عسرای زسیرو
(د) ویای کشیده است. یعنی چندان نمایان نیست.

برای نشان دادن این دوا آهنگ که در پهلوی و کردی هستند،
نشانه‌ئی مانند (۷) در بالای آنها گذاشته شده تا شناخته شوند. مانند
: رُوژ بمعنی روز و تیژ بمعنی تیز در پهلوی و کردی.

افزون بر اینها که گفته شد، در اینجا به دوا آهنگ دیگر بر میخوریم که ویژه
برخی گویشهای کردی هستند. این دوا آهنگ بدینگونه اند :

۱- ل - این وات (۱) با این نشانی، نمودار لام سنگین است.
میتوان آنرا با لام مشدد در عربی نزدیکی داد.

۲- ف - این وات که تنها در گویش بادینانی و زازائی بکار میرود
، مانند : ۷ در انگلیسی است. یعنی در بکار بردن آن، تیغه دندانهای
بالائی روی لبه پائین جای میگیرند و آهنگ ویژه‌ئی را پدید می‌آورد.

نوشته‌هایی که از آنها بهره‌گیری کرده‌ام

۱- الهدیة الحمیدیة فی اللغة الكردیة، گرد آورده یوسف

ضیاء الدین پاشا الخالیدی المقدسی.

۲- برهان قاطع.

۳- فرهنگ پهلوی گرد آورده دکتر بهرام فره‌وشی استاد

دانشگاه.

۴- فرهنگ جگر خون

۱- وات = حرف

- ۵- فرهنگ لوی گرد آورده حمیدایزد پناه .
 - ۶- فرهنگ خال گرد آورده شیخ محمد خال .
 - ۷- فرهنگ مردوخ گرد آورده آیه اله مردوخ کودستانی .
 - ۸- فرهنگ مهاباد گرد آورده گیومکریانی .
 - ۹- فرهنگ وهبی گرد آورده توفیق وهبی بزبان انگلیسی .
- یکدسته واژه های کردی هست که در این فرهنگها دیده نمیشود . پاره ای از آنها را خودم روی آگاهی های که از گویشهای گوناگون کردی دارم ، پیدا کردم و در اینجا آورده ام . برخی واژه هایم از کتابهای پراکنده کردنی آورده ام . روی هم رفته همه اینها وابسته به کردی و گویشهای گوناگون کردی میباشد .

- آپ = آب (۱- آو- سو ۲- • آخیویشن = خیزش (آخیژ- سو-
 آف- ز ۳- او- ل) (ار- ۴-
 • آپات = آباد (۱- آوا- سو ۲- • آرد = آرد (۱- آرد- سو، ار ۲-
 آفا- ز) (آر- ز ۳- هار- ک ۴- ایتر- با)
 • آپانان = آپادان (۱- آودان ۲- • آرزوگت = آرزو (۱- آرزو ۲-
 سو ۲- آوان- ار ۳- آفادان- با آرزوی- ز)
 ۴- آفه دان- ز) • آرم = آرام (۱- آرام- سو، ار ۲-
 • آپاتانیه = آبادانی (۱- آودانی - آیم- ل ۳- آروم- ف)
 سو ۲- آوانی- ار ۳- آفانی- با ۴- • آژ = اژدها (هژیا- ک ۲- بھا
 آفه دانی- ز) (ز-
 • آپاتیه = آبادی (۱- آوایی- ار ۲- • آزات = آزاد (۱- آزاد- سو، ار
 آفاهی- ز ۳- آبادی- ل) (آزا- ز ۲-
 • آپکینگ = آبگینه (۱- آفکینه • آزاتیه = آزادی (آزادی- سو، ار)
 ز ۲- آوینه- مک) • آزار = آزار (آزار- سو)
 • آتور = آتش (۱- آتر- ار ۲- • آسان = آسان (۱- آسان- سو
 - آور- سو ۳- آیر- ۴- آگر- ار ۲- هاسان- مک ۳- سان- با ۴-
 گ، ک) • آسان- ز ۵- هیسان- با ۶- آسو
 • آخور = آخور (۱- آخور- سو- ن- ل)
 ۲- آفر- ز ۳- آور- ۴- آهر- • آسانیه = آسانی (۱- آسانی
 - سو، ار ۲- هاسانی- مک ۳- ل-

- ساناهی - با ۴ - هسانی - ز ۵ - آشنواک (۱) - اژنوا - ار ۶ -
 هیساف - با (شِیفوا - ه)
 آستانک = آستانه (۱) - آستانه - آشنوئن = شنیدن، شنودن
 - سو ۲ - آسانه - ار ۳ - آسین - ل (۱) - اژنوئن - سو ۲ - اژنفتن - ار
 آسن = آهن (۱) - آسن - سو ۳ - اژنوین - گ
 ، ار ۲ - هاسن - با ۳ - آهن - ل (۱) - آقاپ = آفتاب (۱) - آفتاو - ه
 آسیاو = آسیاب، آسیا (۲) - هتاو - سو ۳ - هقره - ز، با ۴ -
 ۱ - آسیاو - ار، ل ۲ - آساو - ه (آفتو - ل)
 آسین = آهن (۱) - هیسین - ک - آفرینک = آفریده (آفریده
 ۲ - هسین - ز) - سو
 آسینگر = آنگر (۱) - آسنگر - آفرین = آفریدن (۱) - آفریه
 - سو، ار ۲ - هیسنگر - ک ۳ - ها - ل ۲ - آفریده کردن - سو
 - سِنگر - ز ۴ - آهنگر - ل (۱) - آفرین = آفرین (۱) - آفرین -
 آسینین = آیین (۱) - آسینین سو، ار ۲ - آفری - ل
 - سو ۲ - هیسینین - کث - آفرین گویشتیه = آفرین گوی
 آسی یاپ = آسیاب (۱) - آسیا (۱) - آفرین گتن - سو ۲ - آفرین
 - ار ۲ - آسیو - ل ۳ - آش - سو، با (۱) - آفرین - ار
 آشت = آشتی (۱) - آشت - آک = آک، بدی (آک - ه)
 سو ۲ - آشتی - ار ۳ - هاشتی - ز، با (۱) - آکاس = آگاه (۱) - آگا - ار ۲ -
 آشکارک = آشکار (۱) - آشکار آگه - سو ۳ - آگاه - ز
 - ار ۲ - آشکرا - سو ۳ - آشکوه - ز (۱) - آگاسیه = آگایی (آگایی - ار، سو)

• آک = سو (۱- تک - سو)	• آهن = آهن (آهن - ل)
• کن - مک - نک - ک	• آهنگ = آهنگ (آهنگ -
• آمتن = آمدن (۱- آما - سو، ار)	
• هاتن - سو، ار	• آهنگر = آهنگر (آهنگری -
• آموزاک = آموزگار (۱- آمول)	
• ژیار - سو - ۲ - مؤژیار - ار	• آهنگریه = آهنگری (آهنگری
• آموزکار = آموزگار (۱- آمؤژ - ل)	
• گار - سو، ار - ۲ - مؤچیار - ار	• آهوک = آهو (۱- آهو - ار
• آمؤژکاریه = آمؤژگاری (۱- ۲- آهی - ل - ۳- آسک - سو)	
• آمؤژگاری - سو، ار - ۲ - مؤچاری	• آهین = آهن (۱- آهه - ف
• سو، ار	• آهن - ل)
• آمیختک = آمیخته (۱- آمیته	• آهینین = آهین (۱- آهین
• سو - ۲- آویته - ار)	• ل - ۲- آسینین - سو)
• آمیز = آمیز، آمیخته (آمیز	• آپشن = رسیدن (۱- گیشن -
• ار، سو)	• سو - ۲- گین - ار - ۳- گیشن -
• آواز = آواز (۱- آواز - سو - ۲- ۴- گیشن - با - ۵- گهاشتن	
• آوازه - ار)	• ز -
• آوریتن = آوردن (۱- هاوردن	• آینک = آینه (۱- آوینه
• ار - ۲- آورده - سو)	• سو - ۲- آینه - ار - ۳- آدنه
• آویران = ویران (ویران - ز - ۴- نینوک - مک - ۵- آینه	
• ار، سو)	• ل -

۲- بی داد- ار)	- سو، ار)
• اَداتیه = بی دادی (بی دادی) -	• اَرَتیک = کَشکَش (چَرَه پِچک)
ار، سو)	- مک)
• اَدانیه = نادانی (۱- نادانی) -	• اَرَس = اشک (۱- هَرَس -
۲- نَزانی - سو)	۲- هَرَس - ۳- اَسَر - ل، سو ۴ -
• اَدوَسْت = نادوَسْت (هَوَرَمِیس - ز)	
نَه دَوَسْت - سو)	• اَرَشک = ارَشک، رَشک)
• اَدوین = آئین (آیین - سو،	رژدی - ار، سو)
ار)	• اَرغوان = ارغوان (۱- اَرغوان
• اَدوینک = آئینه (۱- آوینَه - سو ۲- اَرخوان - ار ۳- اَرغو -	
- سو ۲- آیینَه - ار ۳- آدَنَه - زل)	
۴- نینوکت - مک ۵- نینک - ک)	• اَرک = اَرَه (هَرَه - سو، ار)
• اَدیار = یار (یار - سو، ار)	• اَرماو = خُوما (خُوما - سو، ار)
• اَدیاریه = یاری، دِستِیاری)	• اَرویس = اَرویس، رِیسَمان (۱-
۱- یاریه - ار ۲- یاری - سو ۳- یازق	وَرِیس - گ ۴- گَوِیس - سو
- مک ۴- آری - ز)	۳- وَرِیس - ۴- گَوِیس - ار)
• اَدین = بی دین (بی دین - سو،	• اَرزیر = زِیر (۱- زِیر - سو
ار)	ار، ۲- چِز - ۳)
• اَدینیه = بی دینی (بی دینی) -	• اَر = اَرَدَا (۱- اَرَدَا - سو
سو، ار)	۲- هَرَدَا - مک)
• اَرخَشِیر = اَرَدَشِیر (اَرَدَشِیر	• اَرز = اَرَدَا (۱- اَرز - سو ۲-

- اژدیها - ار ۳ - اژدها - ل) - ار ۴ - هسر - ۵ - هیستر - ز)
- اژی دهاک = اژدهاک (• استک - استخوان (۱ -
- ۱ - اژی دهاک - سو ۲ - اژدها ایستک - سو ۲ - هیستی - ز ۳ -
- ک - ار) (کستی - با)
- آسیا = سایه (۱ - سا - ل ۲ - آسمان = آسمان (۱ - آسمان
- سایک - ف ۳ - سن - ز ۴ - بها - سو، ار ۲ - آزمان - با ۳ - آسو
- ک ۵ سیتر - سو ۶ - سیور - ل)
- ار ۷ - سو - با) • آسووار = اسوار، سوار (۱ -
- آسایک = بی سایه (۱ - بی سوار - ار ۲ - سویار - ز)
- سایک - ف ۲ - بی سیتر - سی • آشاکوت = شاگرد (شاگرد -
- آسپ = اسب (۱ - آسپ - سو، ار)
- سو، ار ۲ - هسپ - ز ۳ - آسب • آشت = هشت (هشت - سو،
- ل) (ار)
- آست = است، استخوان (• آشرمیه = بی شرمی (بی شرمی
- ۱ - ایستک - سو ۲ - هیستک - سو، ار)
- ک ۳ - هیستک - ار) • آشگهان = اژکهان، تنبل (۱ -
- استخوان = استخوان (۱ - لشگران - سو، ار ۲ - باپشان -
- سخون - ل ۲ - سخان - ف ۳ - با)
- سوقان - سو ۶ - ایستقان - ار) • آفچار = افزار (۱ - آمراز - مک
- آستور = آستر، شتر (۱ - آستور - آمراز - سو ۳ - مراز - ز)
- سو ۲ - آستور - مک ۳ - هیسر • آفراز = افراز (۱ - آفراز - با

- ۲- آفران- ز ۳ هوراز- سو، ار- بٚ رٚز- سو ۲- بٚ رٚز- مک
 ۴- آفران- با) • انبار = انبار (۱- انبار- مک ۲-
 • آفرۆچ = افروز (افروز همار- ار ۳- آمار- ل)
 - ار) • انجمن = انجن (انجن- ار
 - سو) • آفرۆز = آفرۆچ
 • آفرار = نیرو (۱- زبر- سو • انداچک = اندازه (۱- اندازه
 ۲- هیژ- سو، ار ۳- وزه- مک - سو ۲- آنازه- ار)
 ۴- هاز- ک) • اندام = اندام (۱- اندام-
 • آفسون = افسون (افسون- سو ۲- آنام- ار ۳- هَندام- مک)
 - ار) • اندرۆن = اندرون (۱- آند
 • آفشانتن = افشاندن (۱- - رون ۲- هَندَر- سو)
 وشاین- ار ۲- وشاندن- سو) • آندرونیکی = اندرونی (۱-
 • آلباست = الباس (الباس آندرونی- ار ۲- هَندری- سو)
 - سو، ار) • آندک = اندک (۱- هَندیک
 • آماوند = نیرومند، نورمند- مک ۲- هِن- با ۳- هَندک-
 (۱- هَمه وَند- سو ۲- هَمه وَن- ز)
 - ار) • آندوه = اندوه (۱- آندوه-
 • آنار = انار (۱- آنار- ل ۲- سو ۲- آنو- ار)
 نار- سو ۳- هَنار- ار ۴- هَنار • آندیشیتن = اندیشیدن (۱-
 - ز) • آندیشین- سو ۲- آیشین- ار
 • آنازرمیک = بی آزرَم (۱- • آنسپاس = ناسپاس (ناسپاس)

- سو، ار) • آیات = یاد (یاد - سو، ار)
 • اَنگوبین = انگبین (۱- هَنگوبین • آیار = یار (یار - سو، ار)
 - ار ۲- هَنگوبین - سو ۳- هَنگوبین • آیار = یاری (یاری - سو، ار)
 - ز، با) • اوْیستیه = پستی، افتادگی ،
 • اَنگوست = انگشت (۱- اَنگست گودی (۱- پستی - سو ۲- پستی -
 - سو ۲- اَنگس - ار ۳- هَنگست ار)
 - ز) • اوْد = آجا (۱- اوْیندری - مک
 • اَنوْمیت = ناامید (۱- ناھمید ۲- اوْینه - ار ۳- دراھئی - سو)
 مک ۲- ناامید - سو ۳- ناھمی - ار) • اوْزمایش = آزمایش (۱- آزمایش
 • اُور = اُبر (اُور - کث) - ار ۲- آزمون - سو)
 • اوزار = افزار، ابزار (اوزار - ار) • اوْژ = نیرو (۱- تُوژم - سو ۲-
 • اوْیاتکار = یادگار (یادگار - سو گژم - مک)
 - ار) • اوْژتار = کُشنده (کُزیار - سو)
 • اهرادیه = پارسائی، پرپیژگاری • اوْژتن = کُشتن (۱- کُژتن - سو
 (هَریسی - مک) ۲- کُشتن - ار ۳- کُشته ی - ۴ -
 • اهُو = پارسا (هَریس - کُشته - ل)
 مک) • اوْستات = استاد (۱- وِستا
 • اهریئن = اهریمن راهر - سو ۲- ماموستا - مک ۳- اُسا - ار)
 - یئن - سو، ار) • اوْستاتن = ایستادن (۱- وِستان
 • اهُونر = بی پُئر (بی هُنر - مک ۲- وِستان - سو ۳- وِستان
 - سو، ار) - ار ۴- مدرای - ۶)

- اؤستاریشن = پاک کردن، -با)
 سُتُرْدَن (۱- اَسْتَرین - مک • اؤشنوئن = نیوشیدن، شنیدن
 ۲- سَرین - ار، سو) (۱- اَزْنَفْتَن - ار ۲- اُزْنوین - گ
 • اؤسْتَرْتَنک = استرده، سترده ۳- شِنوئن - ک)
 ، پاک شده (اَسْتَر-او-مک) • اؤفَاتَن = افادن (۱- کَفْتَن -
 • اؤسْتِیْنِیْتَن = برهیزاندن، ار ۲- کُوتَن - سو ۳- کَفْتِی -
 بلند کردن (۱- هَلَسْتَانْدَن - مک • اؤکَنو = اکنون (۱- هَنوکه -
 ۲- هَسْتَانْدَن) مک ۲- نِهَو - ز)
 • اؤش = بُش، بهوش، نیوند (۱- اؤمِیْت = امید (۱- اُمِیْد - سو
 هوش - سو، ار ۲- هوش - ک، ل ۲- هُمِیْد - ار ۳- هَوِیا - مک)
 ۳- هَش - با) • اؤمِیْت وار = امید وار (۱-
 • اؤشْتاپ = اَشْتاو، شتاب اُمِیْد وار - سو ۲- هُمِیْد وار - ار)
 (هَشْتاو - ۲- اَشْتاو - ل ۳- • اؤوَام = وَام (وَام - ار، سو)
 پِلَه - سو، ار) • اؤوِیْن = نابود، بینوا، تهِیْت
 • اؤشْتَر = شُتَر (۱- اوشْتَر - (نَبو - سو)
 ار ۲- وَشْتَر - سو ۳- هَشْتَر - ز) • اؤه = چَین، چَنان (۱- وِها
 • اؤشمار = شمار، آمار، ایا ر - ار ۲- وَا - سو ۳- هَوْتَو -
 (۱- اَزمار - با ۲- هَوْمار - ز ۳- مک ۴- آوا - ک)
 ژِمَار - سو، ار) • اؤهَرْمَزْد = هَرْمَزْد، اورْمَزْد
 • اؤشمارْتَن = شمرْدَن (۱- ژِمَارْتَن ۱- اَهوَرْمَزْد - سو ۲- هَوَرْمَزْد
 - سو ۲- ژِمَارْدَن - ار ۳- اُزمارْدَن - ۴)

- او زوان = زبان (۱- زوان - (هوټو- مک)
 ار ۲- زبان - سو ۳- زمان - ز، با • ایتونیه = ایدونی، چینی (هو
 ۴- زو- ل) • توپی - مک)
 • اوستن = برخاستن، بلند شدن • ایر = زیر (۱- ژیر- سو، ار
 (۱- هستان - سو ۲- هلیستان - مک ۲- چیر- سو)
 ۳- هلسان - ار ۴- هسایه - ل) • ایوان = ایران، سرزمین آریا
 • اوشتور = اشتر، شتر (۱- - نیان (ایوان - ار، سو)
 هیشتر - مک ۲- اوشتور - ار) • ایرتر = زیرتر، پائین تر (ژیر
 • ای = یک (۱- یه ی - ف ۲- - تر - سو، ار)
 ایک - ز ۳- یک - سو، ار) • ایونگ = نیرنگ (رنگ -
 • ایبار = یک بار (۱- یه ی بار - ار)
 ف ۲- ایک بار - ز) • ایریک = پروز، نژاده، آزاده
 • ایت = این (۱- اید - ۲۳- (هیر- ز)
 ای- ل) • ایریه = آریائی (آری- ار،
 • ایر = ایر، اینجا (۱- ایره سو)
 - سو، ار ۲- ایره - ف) • ایرم = پیرم (۱- هیزم- سو
 • ایریه = ایری، اینجا (۱- ۲- ایرنگ - با ۳- هورک - ز)
 ایره یی - سو، ار ۲- ایره یی - ف) • ایرین = یزیدن، پرستیدن
 • ایتوم = یکتا، تنها، یگانه (۱- یوتن - مک)
 ایکتا - ز ۲- تاکانه - ار) • ایستاک = ایستاده (۱- راو
 • ایتون = ایدون، چین، چنان - یستاو - مک ۲- راوستاو - سو)

- ایستادن = ایستادن، ماندن (ای - ل)
- (۱- راوِیسان - مک ۲- راوِستان • اینیا = دیگر، وگرنه (۱- اگینا - سو ۳- ویسان - ار) سو ۲- دنا - مک)
- ایستانین = ایستادن (۱- • اینیج = این نیز، این هم (۱- ویستاندن - مک ۲- وستاندن اینه چ - گت ۲- آمه چ - ار)
- (سو ۳- ویسانین - ار) • ایو = یک (ایک - ز)
- ایستینین = ایستادن (۱- • ایواچ = آواز (۱- آواز - ار ۲- راوِیستاندن - مک ۲- وستاندن آوازه - سو)
- (سو - • ایواچیکه = آوازه (آوازه -
- ایسم = هیزم (ایژنگ - با) (ار)
- ایسم دان = هیزم دان، چا • ایوار = آوار، ویرانی (۱- آوار
- هیزم (ایژنگ دان - با) - سو ۲- ویوانی - ار)
- ایسمیه = هیزمی، چوبی (• ایوارک = ایواره (۱- ایواره
- ۱- هیزمی - ۲- ایژنگی - با) - ار، سو ۲- ویوره گه - ۳- ایثار
- ایشم = خشم (پشم - ز) - ز ۴- هیوار - مک)
- ایشمون - خشکین (پشمگین • ایوارک گاس = ایواره، گاه
- (ز - ایواره (۱- ایواره گا - ار، سو ۲-)
- ایویت = امید (۱- اُمید - سو ویوره گه - ۴)
- ۲- هُمید - ار ۳- همی - کث ۴- • ایوبار = یک بار (یه ی بار - هیوا - مک)
- (ف)
- این = این (۱- اینه - گ ۲- • ایوتاگ = یکتا، تنها (۱- ایکتا

• ایووک ایووک = یک یک، یکایک	• ز ۲ - یکتا - سو، ار
• ایووناکیه = یکتائی (۱) - ایکتائی (۱) - ایک ایک - ز ۲ - یک یک -	• ز ۲ - یکتائی - سو، ار
• ایووزوریه = هم زوری، یگا	• سو - ار
• ایوکانک = یگانه، تنها (۱) - ایکا	• نیگونیرو (۱) - یه ی زوری - ف
• نیگونیرو (۱) - یه ی زوری - ف	• نه - ز ۲ - تاکانه - ار، سو
• ایوکانکیه = یگانگی (۱) - ایکیکی	• ۲ - ایک زوری - ز
• ایوسانیه = یکسانی (۱) - ایک	• ز ۲ - یکیکی - سو
• سانی - ز ۲ - یه ی سانی - ف ۳	• ایوکیه = یگانگی (یکیکی - با)
• یکسانی - سو، ار	• ایهرپت = پیرید (۱) - هیربد -
• ایووک = یک (ایک - ز)	• سو ۲ - ایربد - ۶
• ایووک آدوین = یک آئین	• ایروچ = امروز (۱) - ایروچ ۶
• هم آئین (ایک دین - ز)	• ۲ - آرؤ - گ ۳ - ایوؤ - سو، ار

با

• بامت = باد (۱) - بای - ل ۲ - سو، ار	
• با - سو، ار، ز ۳ - وا - ۴ - فا	• بازی = بازو (۱) - بازی - ک ۲
• (با)	• بازو - ار ۳ - بازؤ - سو
• باتک = باده (باده - سو، ار)	• باژ = باژ، باج (۱) - باژ - ۶ ۲
• بار = دیوار (دیوار - سو، ار، ز)	
• (ار)	• باستان = باستان (باستان
• باریک = باریک (باریک - سو، ار، سو)	

• باغ = باغ (۱) - باغ - سو ۲ -	• مک ۳ - پزیشک - ار
• باخ - ار	• بَچشکيه = بچشکی، پزشکی (۱) -
• باغیان = باغبان (۱) - باغوان	• پزیشکی - سو ۲ - پزشکی - ار
• سو ۲ - باخوان - ار	• بَچک = بچه (۱) - بچه - ل ۲ -
• بالک = بال * (بال - سو)	• بَچکه - ار ۳ - بچو - مک ۴ - وچکه
• ار	• ک ۵ - چوک - سو
• بامک = بامداد (بیان - سو)	• بخت = بخت (بخت - سو)
• ار	• ار
• بامیک = درختان (۱) -	• بخش = بخش (بخش - سو)
• پروکان - مک ۲ - ترومکان - ار	
• سو ۳ - چریسکان - ار	• بخشیش = بخشیش (۱) - بخشیش
• بان = بان، بام (۱) - بان -	• ار ۲ - بخشیش - سو
• سو، ار ۲ - بو - ل	• بخشیشین = بخشیدن (بخشیش)
• بانیشین = شهبانو، شاپانو - سو، ار	
• (۱) شاترن - سو ۲ - شاترن -	• بَر = بَر، میوه (۱) - بَر -
• گ ۳ - شاپانو - ار	• سو، ار ۲ - وَر - کث
• بَجیشین = بخش (۱) - بش -	• بَرایشک = برایش، ہراز
• سو، ار ۲ - پشک - با ۳ - بیش -	• زیبا (راز اوہ - مک)
• ف	• بَریوت = بَریت - نام سارک
• بَچشک = بچشک، پزشکی	• است (بَریت - سو، ار)
• (۱) - پزیشک - سو ۲ - پزیشک	• بَرگ = برگ (بَرگ -

سو، ار)	• بُونیه = بودگی، هستی (۱- بُون
• بَرَهْمَنگ = آمیخته	• ک ۲- بُون - سو، ار ۳- بِن -
هَره مه - ل)	(ف
• بَریشنیه = آبستی، بارداری	• بویه = بودگی، هستی (۱-
(به تیشقی - مک)	بُون - ک ۲- بی - ل)
• پَزَشک = پزشک (۱-)	• بَهاَنگ = بهانه (۱- بیاَنگ
پَزیشک - سو ۲- پَزَشک -	ار ۲- بُنه - ل ۳- بَهاَنه - سو)
ار)	• بَهرام = بهرام، ستاره‌ی بهرام
• پَزَشکیه = پزشکی (پَزیشکی	(بارام - سو)
- سو)	• بَهره ک = بهره (۱- بَهره
• بَزُک = بزه، گناه (بَزَه	- سو ۲- بَره - ار ۳- بُهر - با
- ز)	۴- بُهر - ز)
• بَست = بسته (۱- بَسته -	• بَهره مند = بهره مند (بَهره مند
سو ۲- بَسه - ار)	- سو)
• بَستگ = برده (بَیدست	• بَهره مندیه = بهره مندی (۱-
- سو، ار)	بَهره مند - سو ۲- بَهره مندی
• بَستَن = بستن (۱- بَستَن -	ار)
سو ۲- وَستَن - ک ۳- بَسته	• بَهره ور = بهره ور (۱- بُهر
- ل)	- ه ور - سو ۲- بَور - ار)
• بَلوت = بلوت (۱- بلی - ل	• بَهره وریه = بهره وری، بهره
۲- بَرَو - سو، ار)	- مندی (بَهره وری - سو)

- پرات = برادر (۱- پرا - (۱- ژنیک - با ۲- تیکه - سو، ار) سو، ار ۲- پوار - ل) •
 • پراتک = دوست، همدم، آفریننده (داهیتز - سو) •
 • آشنا (پراذر - سو، ار) • بؤد = بوی، بو (۱- بؤ - ار ۲- پراتیه = دوستی، آشنائی، بؤن - سو ۳- بئن - مک ۴- بو - (پراذری - سو، ار) ل) •
 • پرازیاک = براز، آراسته، بؤستان = بوستان، بستان زیا (۱- رازیاک - ار ۲- رازاوه (۱- بیستان - سو ۲- بیسان - ار مک ۳- رازیاوه - سو) ۳- بستنی - با) •
 • پراه = روشنائی، درخشندگی، بؤستان پان = بوستانبان، (۱- روی - سو ۲- روناھی بستانبان (بستانه وان - سو) - با) •
 • پروود = ابرو (۱- پرو - بوهن - ز) •
 • ار ۲- ابرو - سو ۳- برم - بؤت = بُت (۱- پوت - ز ۲- پت - سو، ار ۳- بُت - ۴) ل) •
 • پروی = ابرو (پرو - ار) • بؤتن = بودن (۱- بؤن - سو پروین = بریدن (۱- پزین - ار ۲- بیه - ل) •
 • سو ۲- ورتین - ک) • بوراک = بُرنده، بُرا (۱- پوز پریشتک = برشته (برشته - ار ۲- پپو - سو ۳- پتوک - سو) مک) •
 • پریپنیک = تیکه، پارچه • بؤرتن = بردن (۱- پوردن -

ار، سو ۲ - بردی ۳)	ار، سو)
• بوز = بزرگی، گرامی، ارجمندی	• بیژون = بیرون (۱) - بیژون
(ریژ - سو)	(سو ۲ - بیرون - ل)
• بوزرینیشن = بلندی (۱)	• بیژونیک = بیرونی (۱) - بیژونی
بوزریتی (سو ۲ - بوزی - ار، ل)	(سو ۲ - بیرونی - ل)
• بوزیتک = بریده (۱) - وریاک	• بیژوداریه = سرداری، سردی
ک ۲ - بوزیاک - ار ۳ - بوزاو -	(سرداری - سو، ار)
سو، مک)	• بیژ = درد، آزار (آتش - ار)
• بوزیتن = بریدن (۱) - وژین - سو ۶)	
ک ۲ - بوزین - سو، ار)	• بیژشت = رنجور (آتشدار - سو)
• بوز = بوز (۱) - بوز - ل ۲ -	• بیژشیه = زبانی آتش (۱) -
بوز ۳ - بوزن - سو، ار ۴ - بوز -	پیشک - ز ۲ - پیشک - سو ۳ -
(ز -	پیشک - ل)
• بوزی نو = بوزر (۱) - نژو -	• بیژانگ = بیژانه (بیژانه - سو، ار)
ل ۲ - بوزی نیژ - سو، ار)	• بیژ = بیژ (۱) - بیژ - یوک -
• بولند = بلند (۱) - بلند - سو ۲ - سو)	
بلن - ار ۳ - بلنگ - ل ۴ - لند - مک)	• بیه = به، میوه ی به (۱) - بید
• بولندیه = بلندی (۱) - بلند -	ل ۲ - بی - ار ۳ - بوی - سو ۴ -
سو ۲ - بلنی - ار ۳ - بلنگی - ل)	بی - مک ۵ - به - ز)
• بوم = بوم، مین (بوم - ار، سو)	• بیست = بیست (۱) - بیست -
• بون = بون (۱) - بون - ل ۲ - بون - سو ۲ - بیس - ار)	

- بیستگ - پسته (پسته - ار ۲ - دفن - یا)
- بیم = بیم ، ترس (بیم - سو)
- بینیک = بینی (۱ - بیفهل - ز)
- بهان = بهانه (بیانو - سو)
- بهانگ = بهانه (بیانگ - ار)

پا

- پاتار = پشتیان ، یاور ، ۲ - پایز - ار ۳ - پهیژ - ز
- نگهبان (۱ - پارازو - مک ۲ - پارتیز
- - ر - سو) پایچن = پازن ، بزگوپی دپزنه
- - کیفی - ار)
- پاتخشا = پادشاه (۱ - پادشا
- - سو ۲ - پاشا - ار)
- پاد = پا ، پای (۱ - پا - ار ۲ - پی
- - سو)
- پادشاییه = پادشاهی (۱ -
- پادشایی - سو ۲ - پادشایی - ار)
- پایه - سو)
- پادکث = پایه ، پله (۱ - پا - ار ۲ -
- پاداشن = پاداش ، پاداش (۱ - پار - سو
- پاداش - سو ۲ - پاداشت - ار)
- پادزهر = پادزهر ، فادزهر ،
- پادزهر (۱ - پازار - سو ، ار ۲ - پازهر
- پاس = پاس ، پاسبانی (پاس - ار
- پازکث = پول (پاره - سو)
- پادشاه (پادشا - سو)
- پاسپان = پاسبان ، نگهبان (۱ -
- پاتن = نگهداری کردن (۱ - پاراز پاسه وان - ار ، سو ۲ - پهغان - یا)
- پاداستن - سو)
- پاسپانیه = پاسبانی (۱ - پاسه وانی
- پاتیز = پاتیز (۱ - پاییز - سو - ار ، سو ۲ - پهغانی - یا)

● پاشنگ = پاشند (۱- پازنده	● پانزدَهَم = پانزدَهَم (۱- پانزدَهَم
- سو، ار ۲- پازنو - مک ۳- پاشو -	ار ۲- پازده هم - سو)
ل ۴- پهنی - با)	● پاو = پاو، پاک (پاک - سو)
● پاکت = پاکت (پاک - سو)	● پای = پای، پا (۱- پا - ار، ل ۲-
● پاکت خواریشن = پاکت خوار،	پت - سو)
کسی که تمیز خوراک خورد (۱- پاکت	● پایان = پای، پا (۱- پاکان - ار
- خور - ار ۲- پاکت خور - سو)	۲- پت یان - سو)
● پاکینیتن = پاک کردن (۱-	● پانیک = پای (پایه - سو)
پاک کردن - سو ۲- پاکت کر	● پایین = پائین (پایین - سو)
- ده ی - ۳)	● پتکار = پیکار (پیکار - سو)
● پاکیه = پاکی (پاکی - سو، ار)	● پشکيه = نیرو (کوئکی - با)
● پالادیتن = پالایدن، پالودن	● پتمان = پیمان (پیمان - سو)
(۱- پالودتن - سو ۲- پالافتن - ار)	● پتمانگ = پیمان، اندازه (پیمان
● پالایشن = پالایش، پالودن - سو)	
(۱- پالین - ار ۲- پالاندن - سو)	● پتموتن = پیمودن، اندازه گرفتن
● پالوت = پالوده، فشرده شده	(پیتوان - سو)
(۱- پالوته - سو ۲- پالوته - ار)	● پتموختن = پوشیدن (پوشین
● پالوتک = پالوده، فالوده (سو، ار)	
پالوده - ار)	● پتواج = پاسخ (بویچ -
● پانزده = پانزده (۱- پانزده - سو، ار)	
ار ۲- پازده - سو)	● پتوک = نیرومند، توانا (۱-

- به توك - مك ۲ - به تين - سو) • پَرست = پرستنده، ستایش کننده
 • پَتیَوَفَتَن = پذیرفتن • ر (پَرستَر - سو)
 پَتیَوِرانَوَن - سو) • پَرستَن = پرستیدن (پَرستَن
 • پَتیمار = پشیمان، یاور ۱ - سو)
 پارِیَوَر - سو ۲ - پارا زو - مك) • پَرستوك = پرستو، چلچله ۱ -
 • پَچیتَن = پزیدن، پختن ۱ - پلیسگر - ل ۲ - پَره سیلکه - سو ۳ -
 پَوَازَن - ار ۲ - پَوَازَن - سو) پلیسگر - ک ۴ - پلیسگر - ار)
 پَد = پَی، رگ سفید (پَی - سو) • پَرکان = پله، پلکان ۱ - پلیکانه
 • پَداج = پیاز ۱ - پیواز - مك - سو ۲ - پَی پلیکانه - مک ۳ - پلیکانه
 ۲ - پیاز - سو ۳ - پیقاز - ز) - ار)
 پَدی رَویشَنیه = پیاده روی • پَرندَه ک = پرند، مرغ پرند ۱ -
 (پیاده روی - ار) پَرندَه - ل ۲ - پَرته - ار ۳ - فَرندَه
 • پَر = پر (پَر - سو، ار) - سو ۴ - پَله ور - مک)
 • پَرچین = پرچین، خار بست • پَوَر = پردار، بالدار ۱ -
 ، برهون ۱ - پَرچین - ار ۲ - پَرز
 - ین - سو ۳ - پَرچی - ل) • پَرورتار = پروردگار، پروراند
 • پَرچینگ = پرچین دار، کناره ۱ - پَروردگار - ار ۲ - پَروردیار
 دار ۱ - پَرچین دار - ار ۲ - پَرچی دار - سو)
 - ل) • پَرورتگ = پرورده (پَرورده
 • پَرردک = پرده (پَرده - سو - ار، سو)
 • پَرودِیج = پروین، پرده، پرو (ار)

- (۱- پروین - سو ۲- پیرو - مک) • پیماں = پشمان (۱- پشمان
 • پریتن = پریدن، پرواز کردن - ار ۲- پژیوان - سو)
 (فرین - ار، سو، ز) • پیسن = پسین، روز پسین)
 • پیرویر = پیروز (۱- پیویر - پسندن - سو)
 ل ۲- پری - گ ۳- پیوی - سو) • پشم = پشم (۱- پشم - ار، سو
 • پریش = پریش، پریشان (۱- ۲- پترم - سو)
 • پیویش - ار ۲- پریشان - سو) • پیماں = پشمان (پشمان - ار)
 • پویک = پری (۱- پری - سو) • پیمانیه = پشمانی (پشمانی - ار)
 ، ار ۲- زری - ز) • پمک = پنبه (۱- پمه - ل ۲-
 • پریکان = پریان، پری، (۱- پمه - گ ۳- پمبی - با ۴- پمه - ار
 • پریه کان - ار ۲- پری یان - سو) ۵- پمو - سو ۶- پمک - ز)
 • پرینگ = فیروزه (پیروزه) • پمکین = پمبی (۱- پمبی -
 - سو، ار) گ ۲- پمبی - ار ۳- پمبی - سو)
 • پسحو = پاسخ (۱- پاسخ - سو) • پناه = پشت و پناه (پنا - سو، ار)
 ۲- پاژخ - ار ۳- پرسیف - ز) • پنج = پنج (۱- پنج - ار ۲-
 • پسند = پسند (۱- پسند - سو پنج - سو)
 ۲- پسین - ار ۳- پسین - ل) • پنجاه = پنجاه (پنجا - سو)
 • پسندیتن = پسندیدن (۱- پنج ست = پنج سد، پاسند
 پسندان - سو ۲- پسند کردن - ار) (۱- پنج ست - مک ۲- پنج سد
 • پسوی = گا و گوسفند (۱- پس - ار ۳- پنج سد - سو)
 ل ۲- پیز - سو، ار) • پنچک = پنجه‌ی دست (۱- پنچک

● ک ۲- پَنجِه - ار، سو)	● پ = پی، دَنال (پی - ار، سو)
● پَنجُم = پنجم (۱- پَنجُم - ار ۲-)	● پَناک = پيدا، هويدا، آشکار (۱-)
● پَنجَم - سو)	پيدا - سو ۲- پيا - ار ۳- پيا - ل)
● پَنجُم = پنجم (پَنجُم - ار)	● پَنام = پَيام، پيغام (۱- پَنام -
● پَنَد = پند، اندرز (۱- پَنَد - سو)	ک ۲- پَيام - سو ۳- پَنام - ار)
● پَن - ار)	● پَنامَبَر = پينمېر، پيامبر (۱-)
● پَنَدنامک = پندنامه، اندرزنامه	● پَنامَبَر - ک ۲- پَنَمَر - ار، سو)
● پَنَدنامه - سو)	● پَنَمَبَر = پينمېر (۱- پَنَمَبَر -
● پَنير = پشیر (۱- پَنير - سو)	سو - ار، سو ۲- پَنَمَر - ار)
● پَنير - ار)	● پَيکان = پیکان، سرتیر (۱-)
● پَنيه = پستی، فرومایگی (۱-)	● پَيکان - ار ۲- پیکار - سو)
● پَنی - ار ۲- پَنی - ل)	● پَيوَد = پیوند، بستگی (پَيوَد -
● پَهريچ = پرهيز (۱- پَريز - سو)	سو)
● ل ۲- پَريز - سو ۳- پاريز - ار	● پَياتک = پياده (۱- پياده - ار
● ۴- بَهريز - ز)	سو ۲- پيا - ز ۳- پيار - ک)
● پَهلوک = پهلو، کنار (پال -	● پَوچک = پوزه، پوز (۱-)
سو، ار)	پوزه - سو ۲- پوز - ز ۳- پَوز - ار)
● پَهَن = وپهن (۱- پَهَن - ز)	● پَوختن = پختن، پزیدن (۱-)
● ۲- پَيَن - ک ۳- پان - ار، سو)	● پَوختن - ز ۲- پَهتن - با)
● پَهناي = پهنائی (۱- پَهناي - ز)	● پَوست = پوست (۱- پوست -
● ۲- پاناي - سو، ار)	سو ۲- پوس - ار ۳- پَست - ک)

• پۆسیئەن = پوشیدن	• پۇشت = پشت (۱- پشت -
پۆشین - سو)	سو، ار ۲- پۇشت - ل)
• پولات = فولاد، فولاد (پۆل -	• پۇشتیپان = پشتیان، کەمک
- سو، ار)	(پشتیوان - سو، ار)
• پۆلادوتین = فولادین	• پۇل = پول (۱- پۇل - سو، ار
پۆلادین - سو، ار)	۲- پیل - ل)
• پۇتک = پوشیده، پوشیده (۱-	• پۇھر = پۇل (۱- پۇر - ۲- پۇر -
پۇرتکاو - سو ۲- پۇتکیاگ - ار - سو، ار ۳- پۇردی - ۲- پۇرت -	۳- پۇاو - مک)
گ)	• پۇر = پۇر، انباشته (۱- پۇر -
• پۇر = پۇر، انباشته (۱- پۇر -	ار، سو ۲- پۇر - ل)
پۇردار = پردخت، پردار	• پیتامبۇر = پیامبر، پیغامبر
(پۇردار - سو، ار)	پیامبر - سو)
• پۇرسیتار = پۇرسندە	• پیتچین = پیچیدن (۱- پیتچان
پۇرسیارکار - سو)	- سو ۲- پیتچان - ار)
• پۇز = پوز، پوزە، پیرامون دۇن	• پیترامۇن = پیرامون، گرداگرد
(پۇز - ز)	(پایمۇ - ل)
• پۇس = پسر (۱- پۇس - ز ۲-	• پیژوچ = پیروز، فیروز
پۇ - مک)	پیروز - سو)
• پۇسدان = زېرپان، بگردان	• پیژوچیە = پیروزی، فیروزی
(۱- پۇسدان - ز ۲- پۇزدان - مک)	(پیروزی - سو)

• پيستان = پستان ، چچو (پيشی - سو)	
• پيک = پیک (پیک - سو)	(۱- پيسو - ل ۲- پيسير - ز)
• پيخک = گرہ، گرہ چوب (خوبوک - گ)	• پيشی = پیش، نزد، جلو (پیشی - سو)
• پيشانيک = پيشانی (۱- پيشانی)	• پيروژکٹ = پيروزه ، فيروزه (پيروزه - سو، ار)
• پيشتر = پيشتر، جلوتر (۱- پيشتر - سو)	• پيشتر = پيشتر، جلوتر (۱- پيشتر - سو)
• پيشگاس = پيشگاه (پيشگا - ار)	• پيل = پیل، فيل (فیل - ار، سو)
• پيشک = پيشه، کار (۱- پيشه - ار ۲- پيشه - سو)	• پيم = پيم، چربی (۱- پيم - مک ۲- پی - ار)
• پيشوپای = پيشوا، رهبر (۲- پی - ل)	• پيه = پيه (۱- پی - سو، ار)
• پيشينيان = پيشينيان (۱- پيشينيان - سو ۲- پيشينا - ار)	• پيهن = خوراک، خوال، خوردنی (۱- پی خور - سو ۲- پی خور - ار)
• پيشيه = پيشی، جلوئی (پيهو = پيه (پيو - سو)	

• تاپستان = تاستان (۱- تاوستا)	• تاپک = تاوه، تابه، ماهی تابه
• تان - ک ۲- تاوسان - ۳- تاوسو (۱- تاوه - ار، سو ۲- توؤ - ل)	• تاجیک = تازی، عرب (تاجیک - ل)

• تَبَر = تَبَر (۱- تَوَر - ار ۲- (سو)	
• تَچانگ = تازانه، تازیانه (تَچَر - ز ۳- تَبَر - ۴)	
• تَچَر زَت = تَبَر زَد، نبات (تَچَر ز د - ۴)	
• تاخنگ = تخته (تخته - سوءار)	
• تار = تار، تاریک (تار - ل ۴)	
• تاریک = تاریک، تیره، تار (تَخت = تخت، اورنگ (تخت - سوءار)	
• تاریک - سو	
• تاریکیه = تاریکی (تاریکی - سو)	
• تازک = تازہ (۱- تازہ - سو تال - سو، ار ۳- تل - ل)	
• ۲- تازی - ز)	
• تَخل = تخلغ (۱- تحل - با، ز ۲-)	
• تَخْلَنِيَه = تلخی (۱- تحلی - با، ز ۲- تلی - ل)	
• تاشیتن = تراشیدن، بریدن (۲- تلی - ل)	
• ۱- تاشین - سو ۲- تراشین - ک	
• ۳- تاشنبه - ل	
• ترازوک = ترازو (۱- ترازو - سو ۲- ترازو - ۳- ترازو - ل)	
• تاک = تا، تاینکه (۱- تا - سو ۲- ترازو - ۳- ترازو - ل)	
• ۲- هتاکو - سو	
• تالمن = دالمن، دال (۱-)	
• دال - سوءار ۲- داتوش - مک	
• تاوان = تاوان (تاوان - سو ترازو - ل)	
• ۲- تاوون - ل	
• تپ = تاب، گرما (۱- تاو - سو، ز)	
• ۲- تو - ل	
• ترس = ترس، بیم (ترس - ل)	
• ترساک = ترسا، عیسوی	

تَشَوِي - سو	تَشَنه یی - ل ۲ - تَهَنی - ز ۳ - تَش
• تیشَنک = تَشَنه (۱ - تَشَنه - ل - نه یی - ۴ - تیشوی - مک)	
۲ - تَشَنه - ۳ - تی - سو ۴ - تینو	• تیگ = دیگ (۱ - دیگه - ل ۲ -
- مک ۵ - تینگ - ار ۶ - تهن - ز)	تیکله - ار)
• تیشَنکیه = تَشَنگی (۱ - تیهوک = تیهو (۱ - تی - ل ۲ - تیهو - ار)	

جا

• جام = جام، پیاله (۱ - جام - سو	جاویدان - م)
۲ - جُم - ل)	• جُم = جم، جمشید (جُم - م)
• جامک = جامه (۱ - چلک -	• جَندیَن = جنیدن (۱ - جودن
سو ۲ - جومه - ل)	- سو ۲ - چمان - ک)
• جان = جان (۱ - جان - ز ۲ -	• جَندیَنیَن = جنباندن (۱ -
جودن - ل)	جودن - سو ۲ - چمان - ک)
• جانور = جانور، جاندار (۱ -	• جَنگ = جنگ، نبرد (جَنگ -
جانور - سو، ار ۲ - چناور - ز)	ار، سو)
• جانوک = زانو (۱ - چوک	• جَهیَتَن = جهیدن، جستن)
- ک ۲ - وژنگ - ار ۳ - آرَنو	۱ - قَچَنقین - ز ۲ - جُستَه - ل)
- مک ۴ - زونی - ل)	• جَهیَک = جنده، روسپی (۱ -
• جاوَر = بار، دفعه (جار - ار	چنده - مک ۲ - چَنه - ار، ل)
سو،	• جَهیَک کاریه = روسپی گری
• جاویتان = جاویدان (۱ -	چَنه کاری - ار)

چا

- جَوّی = جوی، جوی آب (۱) - جَوّان - ار ۲ - جوان - سو ۳ - چَوو
 جَوّی - مک ۲ - جو - ز، ل ۳ - (ل)
 جَوگه - سو ۴ - جَوله - ار) • جَووانیه = جَوانی (۱) - جَوانی - ار ۲ -
 • جَو مَبِیْتَن = جَنبیدن (۱) - جَوین چَوونی - ل ۳ - جَوانی - سو)
 - سو ۲ - جَیان - ار) • جَیّه = روسپی، زن بدکار (۱) -
 • جَو مَبِیْتَن = جَنبش (۱) - جَیس چَنّه - ار، ل ۲ - چَنده - سو)
 - ار ۲ - جَیشت - ل ۳ - جوله - سو) • جَیگر = جگر (۱) - جَیگر - ل ۲ -
 • جَووال = جوال، گوال (سو) • جَیگر - ز ۳ - جَیگر - سو، ار)
 (۱) - جَوال - ل، ز ۲ - جَوال - سو، ار) • جَیواک = جا، جایگاه (۱) - جَیگا
 • جَووان = جوان، بُرنا (۱) - سو ۲ - جا - ار، ل)

چا

- چاتور = چادر (چادر - ار، سو، ل)
 (سو، ل) • چاروکیتن = ساروجین، آهکی
 (چاروین - سو)
 • چار = چاره (۱) - چار - مک ۲ - چاشت = چاشت (۱) - چاشت
 چاره - ار، سو ۳ - چَهره - ز) - ار ۲ - تاشت - ز)
 • چارپای = چارپا، چهارپا (۱) • چاشتیتار = آموزگار (۱) -
 چارپا - ل ۲ - چوارپا - ار ۳ - چارپَی آموزیار - ک ۲ - موچیار - ار)
 - سو) • چاشتیشن = مزه (۱) - چَشه
 • چاروک = چارو، ساروج، ک ۲ - چَشکه - ار، سو)
 آیک (چارو - سو) • چاه = چاه، چاله (۱) - چا - ل

چرمین - سو	۲- چال - سو، ار
● چشم = چشم (۱- چش - ل ۲-)	● چترنگ = شترنج (۱-)
● چم ۳- چھف - با ۴- چاو -	شترنگ - مک ۲- شترنج
سو، ار ۵- چاف - ز)	۳- ار ۳- شترنج - سو
● چشمک = چشمه (۱- چشمه	● چخرواک = چرخ، چرخ،
ل ۲- چبه - ۳- چاوکه - ار	نام پرندہ فی است شکاری (چرخ - ل)
۴- سرچاوه - سو)	● چرائیتیک = دختر (۱-)
● چشمکيه = دارائی، توانگری	کنیک - گ ۲- کنیشک - ار ۳-
(بوچک - با)	کیج - سو ۴- کج - با ۵- کناچه ۶-)
● چشمین = چشیدن (۱- چستین	● چرپ = چرپ، روغن دار
ار ۲- چشتین - سو ۳- چشتہ -	(۱- چرم - ل ۲- چور - سو، ار)
ل)	● چریہ = چربی (۱- چرمی -
● چکا = چکاو، چکاوک (اچرہ -	ل ۲- چوری - سو، ار)
سو ۲- چرہ - ار)	● چرز = چرز، ہوبرہ (۱-)
● چکوچ = چکوچ، چکش (۱-)	چرک - ز ۲- چرگ - مک ۳-
حکج - سو ۲- چکش - ار)	چیرگ - سو)
● چمبر = چمبر، چمبر (۱- چمبر	● چرک = چراگاه (۱- چر -
سو ۲- چمرہ - ار ۳- چمیل - ز)	ل ۲- چرا - ار ۳- چیرکہ - ز ۴-)
● چمیش = چمین، چامین، شاش	لور - سو)
(۱- میز - ار ۲- میز - سو)	● چرم = چرم (چرم - سو، ار)
● چہار = چہار (۱- چار - ل، ز ۲-)	● چرمین = چرمین، چرمی)

● چینگ = دام، تله (چَنبَر-)	ل-۲- چلکن - سو، ار)
● چیش = چیر (۱- چشت-گ (ز)	
● چیشور = پُل چینود، پُل	۲- تِشت - ز ۳- شت - سو ۴-
چینوت - پُل صراط را گویند - که در	چت - ار ۵- چو - ل)
● چیکامک = چکامه (چکامه -	
فرنگهای فارسی چنود و چنود و	
چنواد نیز آمده (۱- چینوت - ۲۳-	سو، ار)
● چیم = چم، آرش، معنی (۱- چم	
پردیور - گ)	
● چیهو = چره (۱- چیره - ار ۲-	ار ۲- چم - گ)
● چو - ک ۳- چاره - سو ۴ -	● چینار = چنار، درخت چنار
چهره - ز)	چنار - سو، ار)

خا

● خاستن = برخاستن، بلند شدن	
● خان = خوان، سفره، شیدان	
(۱- خوان - ار ۲- خوان - سو)	(۱- هستان - سو ۲- هلیان -
● خانک = خانه (۱- خانک - مک	ار، ک)
۲- خانه - ل ۳- خانو - سو ۴- یانه	● خاک = خاک (۱- خاک -
۵- خانی - ز ۶- خانا - با)	سو، ار ۲- آخ - ز)
● خاهو = خواهر (۱- خور - ل	● خالیکستر = خاکستر (۱- خاکو
۲- خویشک - ار ۳- خشک - سو)	ل-۲- خوله که و - ار ۳- خلی - با
● خور = خر، الاغ (۱- خور - ل	۴- خولی - ز)
۲- کور - سو، ار)	● خامک = خامه، بکک، نال
● خواج = خراج، باج (خواج -	(خامه - سو، ز)

• خروسیشن = خروش ، فریاد	- سو، ار، ز)
• (خروش - ار)	• خربوزک = خربوزه ، خرپزه
• خواب = خواب (۱- خاو	(۱- خرویزه - ل ۲- خروزه - ف)
• (خو - سو، ار ۳- خو-ل)	• خرگوش = خرگوش (۱- گرو
• خواریتن = خوردن (۱- خوارپ	- یشک - سو ۲- کورتیشک - ار
• سو ۲- خواردن - ار ۳- خوارن	۳- هوریشته - گ ۴- کیتروشک
- ز ۴- هرد - ل)	- ز ۵- خگوش - ل)
• خوان = خوان ، سفره ، تاتلی	• خرما و = خرما (۱- خرما -
(خوان - سو)	ار، سو ۲- خرمه - ز)
• خواتتار = خواتنده (۱- خویشار	• خریتار = خریدار (کوتیار - مک
- مک ۲- خویشتر - سو ۳ -	• خریتن = خریدن (کرتین -
خونه وار - ار)	مک ، سو ۲- خرین - ل)
• خوانتن = خواندن (۱- خویندن	• خفک = خفه ، بدار آویخته
- سو ۲- خوین - ار ۳- وانای - م)	(خفه - سو، ار)
• خوانندن = خواندن (وانندن -	• خندیتن = خندیدن (۱- خنین
- گ)	ک ۲- خنسه - ل ۳- کنین -
• خواهر = خواهر (۱- خوه -	ار، سو)
- ز ۲- خوهر - ک)	• خیوک = خیو، تف، آب دکان
• خور = خور، پور، خورشید	(۱- خوریس - ز ۲- خزی - مک)
• (۱- خور - ار ۲- خور - سو ۳ -	• خروسیتن = خروشیدن
(۱- خروش - سو ۲- خروش - سو ۳ -	• (۱- خروش - سو ۲- خروش - سو ۳ -

- خوراسان = خراسان، خاور ۲- هون - ۳- خوین - سو، ار - ۴-
 (۱- خور هلات - سو - ۲- خور - خوين - ل - ۵- خين - با)
 ● خوسپين = خفتن، خوابیدن (هلات - ار)
 ● خوش = خوش، شاد ۱- (نوستين - سو)
 خوش - ار ۲- خوش - سو ۳- ● خوشک = خوشه ۱- هوشه
 وش - ۲- (هيشو - سو)
 ● خوشيه = خوشی، شادی ● خوشکيه = خشکی ۱- وشکی
 (۱- خوشی - ار ۲- وشي - ۳- سو، ار ۲- ايشکی - ز)
 ● خوفتن = خفتن، خوابیدن ● خوگ = خوگ ۱- خوگ
 (۱- خفتن - ار ۲- خوتين - سو)
 ● خوه = خوه، خواهر ۱- ● خومبک = خمر، خم ۱- خُبه
 خوه - ز ۲- خور - ل ● ۲- هبه - ار ۳- هوين - سو
 ● خوي = خوی، خوه ۱- ● خومر = خواب، گوشاسب
 خوه - با ۲- خوييه - ز (۱- خو - سو، ار ۲- خون - مک)
 ● خويد = خوی، عرق (خوييه) ● خيزستن = خيزیدن، برخاستن
 خورت = خورد، کوچک ۱- (۱- آخيزتن - سو ۲- هورتزاي)
 ۵- سو ۲- هور - با ● خيشت = خشت (خيشت
 ● خون = خون ۱- خون - ز - سو، ار، ل)

- دات = داد، رسته (داديس) ۱- داتار - کث ۲- دادار - سو
 ● داتار = دادار، آفريننده ، داتارگيهان = دادارگيهان، دادار

جهان، آفریننده جهان (داداری - ار ۲ - داری - ه)	
گیهان - سو	● داستان = داستان (۱ - داستان
● داتاریه = داداری، آفریندگی	سو ۲ - داسان - ار)
- واداری - سو	● داغ = داغ (۱ - داغ - ل ۲ - داغ
● داتستان = دادستان (ر - سو، ار)	
دادستان (سو)	● دالمن = دالمن، دال (دال -
● داتکر = دادگر (دادگر - ار، سو)	سو، ار)
● داتگوو = دادگو، دادگر (ر - سو ۲ -	● دام = دام، تل (۱ - دام - سو ۲ -
دادگو - ار)	داو - ار ۳ - داف - ز)
● داتن = دادن، بخشیدن (۱ -	● دامات = داماد (۱ - دوما - ل ۲ -
دان - سو ۲ - داین - ک)	زاوا - سو، ار ۳ - زافا - ز ۴ - زما
● داتور = دادور (دادوری - ه)	
● داتوریه = دادوری (ر - سو)	● داماتیه = دامادی، دامادشدگی
دادوری - سو)	(۱ - دومی - ل ۲ - زاوایی - سو، ار
● دار = دار، درخت (دار - ار، سو)	۳ - زامایی - ز ۴ - زمایی - ه)
● دارو = دارو (۱ - دارو - سو ۲ -	● دامیه = فرزند (۱ - دومی - گ
دوا - ار)	۲ - مندا - سو ۳ - منال - ار)
● داروک = دارو (دارو - سو)	● داناک = دانا، دانشمند (۱ -
● دارین = چوبی، درختی (دارین - سو)	دانا - ار ۲ - زانا - سو ۳ - دونال - ل)
- سو)	● داناکیه = دانائی (۱ - دانایی - ار
● داس = داس (۱ - داس - سو، ۲ - دونایی - ل)	

- دانک = دانه، تخم (۱- دان - ۲- درک - مک ۳- دریا-ار)
 سو، ار ۲- دون - ل) ● درپان = دربان (۱- دریاوان
 ● دانوک = زانو (۱- زانو - ار ۲- درکه وان - مک)
 سو ۲- زونی - ل ۳- ززانی (● درت = درد، رنج (درد-سو)
 ● دانتیشن = دانش، دانائی (۱- درتک = دردار، دردمند (۱-
 زانس - ار ۲- زانست - سو) درده دار - سو، ار ۲- درپار-ل)
 ● دانهیشن = دانستن (۱- دونه) درک = در (۱- درکه - مک
 ل- ۲- زانین - سو، ار) ۲- درکه - سو ۳- دریا-ار ۴- درگا
 ● دایک = دایه، پلای (۱- دایه - ک)
 سو ۲- دایان - ار ۳- داین - ز) ● درگ = دراز (دریش-سو، ار)
 ● دایکه = دایگی (۱- دایانی - درگاه = درگاه، آستانه در (۱-
 ار ۲- دایه یی - سو) درگا - سو ۲- درگه - ز)
 ● دپیر = دبیر، نویسنده (دوپس) درمان = درمان، دارو (۱-
 - ار، سو) درمان - سو، ار ۲- درمو - ل)
 ● دپیری = دبیری، نویسندگی دروشن = درودن، درویدن
 (دوپیری - ار، سو) (۱- دروشن - ز ۲- دروینه کردن
 ● دخبک = دخمه، گور (۱- سو ۳- دروکودن - ار ۴- آیین
 دخمه - ل ۲- دخمه - ار) ل-
 ● ددو = آفریننده، خداوند دریشن = دریدن، پاره کردن
 (۱- دداندر - ز ۲- داهیشن-سو) (۱- درین - سو، ار ۲- درنه-ل)
 ● در = در، دروازه (۱- درسو) دریشن = داغ کردن (۱- چزاین

• دَشَنَك = دشنه، کارد (۱) -	• ۲- چزانډون - سو (
• دَشَت = دست (۱) - دَسْت - دَشَنه - ۲- دُشَنه - ل (• دَسْت = دست (۱) - دَسْت - دَشَنه - ۲- دُشَنه - ل (
• دَفَتَن = دَمیدن (۱) - دَمانډون	• سو ۲- دَس - ل، ار (
• دَسْتَك = دسته، گروه (۱) - سو ۲- دَمانډون - ار (• دَسْتَك = دسته، گروه (۱) - سو ۲- دَمانډون - ار (
• دَمان = زمان، بهځام (۱) - دَم	• دَسْتَه - سو ۲- دَسَه - ار ۳- دَسَه - ل (
• سو، ار ۲- دَم - ز (• دَسْتَه - ل (
• دَمَك = دمه، بوران، کولاک (۱) - دَمه - ار، ۲- دَمَك - ز (• دَسْت_کاريه = دستکاری (۱) - دَسْت_کاري - سو ۲- دَس_کاري - ار (
• دَندان = دندان (۱) - دِنو - ل	• دَسْت_گير = دَسْت_گير، یاری کونک (۱) - دَسْت_گير - سو ۲- دَس_گير - ار (
• دَیان - ار ۵- دِندان - با (• دَسْت_توريه = دستور، لږ، اجازه (۱) - دَسْت_تور - سو ۲- دَس_تور - سو، ار (
• دَوال = دوال، تسه، کمر بند (۱) - دَوال - سو ۲- دَوال - ار (• دَسْتِياريه = دستياري، کمک (دَسِياري - ار (
• دَوَن = دروغ (۱) - دَرَو - ز	• دَشْت = دشت (دَشْت - ار (
• دَوَن - ل ۳- دَرَو - سو، ار (• دَشْت = دشت (دَشْت - ار (
• دَهان = دمان (۱) - دَم - سو، ار (• دَشْتِيک = دشتي، بيا باني (۱) - دَشْتِيک - سو ۲- دَشْتِيک - سو، ار (
• دَف - با ۳- دَو - گ (• دَشَن = سوی، سون (۱) - دَشَن - سو ۲- دَشَن - سو، ار (
• دَهليچ = ديلير، دالان (۱) - دَهليچ - سو، ار ۲- دَو - ل (• دَشَن - سو ۲- دَشَن - سو، ار (
• دَهليچ = جهيزه، وردک، وردک (• دَشَن - سو ۲- دَشَن - سو، ار (

(چپازی - سو، ار، ل)	(۱- دِروزه گته - ل ۲- دِروژنی
• د هیشن = پدید آوردن، آفریدن	• کبودن - سو ۳- دِرو کبودن -
(داهینان - سو)	ار، ک ۴- دِرو کوده ی - سو)
• دِراز = دراز (دِراز - ل)	• دِرو ژن = دروغزن، دروغگو
• دِراناک = سرود، سرایش	(دِروژن - سو)
(دوژینان - ز)	• دِرو ژنیه = دروغزنی، دروغگوئی
• دِرخت = درخت (دِرخت	(۱- دِروژنی - سو ۲- دِروزه یی - ل)
- سو، ار)	• دِروست = درست، راست
• دِرفش = درفش، پرچم	(۱- دِروست - سو ۲- دُرس - ا)
(۱- دِروش - ا ۲- دِروش - ل)	• دِروستی = درستی (دِروستی -
• دِروټ = درود (دِرو دیو - سو)	
• دِروجن = دروغگو (۱-	• دِروشت = درشت (۱-
دِروژن - سو ۲- دِروژن - ا	دِروشت - سو ۲- دُرش - ا ۳-
۳- دِروزم - ل)	دُورشت - ل)
• دِرو دیست = درست، راست	• دِرو غزن = دروغزن، دروغگو
(۱- دِروست - سو ۲- دُرس - ا)	(دِروژن - سو)
• دِرو دیستی = درستی، راستی	• دِرو گ = دروغ (۱- دِرو
(۱- دِروستی - سو ۲- دُرسی - ا)	• دِرو ۲- دِرو - ل ۳- دِرو - ز)
• دِرو ژن = دروغگو، دروغزن	• دِرو گیه = دروغی (۱- دِرو یی
(دِروژن - سو)	- ل ۲- دِرو یی - سو)
• دِرو ژن گوتن = دروغ گفتن	• دِرو و = دروغ (دِرو - سو)

- دېروويست اَنام = درست • دېواريشَن = رقتن (۱) - رويشتن -
 اندام، تندرست (دېرُست اَنام سو ۲ - لېوای - سو)
- دېرِياپ = درياب، دريا • دېوازده = دوازده (۱) - دواز (۱) -
 (۱) - دِريا - سو، ار ۲ - دَلِيا - گ (دوانگزه - گ)
- دېريتار = دريار، دَرَنده (۱) • دېواز دَهَم = دوازدهم (۱) -
 دِرَنده - سو ۲ - دِرَنه - (ار) دواز دَهَم - سو ۲ - دواته هَم - (ار)
- دېرينوش = درويش (۱) • دؤ = دو، ۲ (۱) - دو - سو، ار
 دَرويِش - سو ۲ - دَرويِش - ار ۳ - دِردؤ - ز ۳ - دوي - سو ۴ -
 ۳ - دَرويِش - ل (دؤ - ل)
- دېريوش = دريوش، درويش • دؤاؤم = دؤم (۱) - دوهَم - ار
 (۱) - دَرويِش - سو ۲ - دِرويِش - ۲ - دوهَم - سو
- دېريوشيه = دريوشي ، • دؤپاد = دوپاي، دوپا (۱) - دوپا (۱) -
 (۱) - دَرويِشيه - سو ۲ - دوي - سو
- درويشي (دَرويِشي - سو) • دؤتؤم = دومين (۱) - دوهين
 • دِنوئک = ماده (۱) - ما - ل، - ار ۲ - دؤمين - سو
- دېوار = در، درب (۱) - دِريا (۱) - دوچاري - ار ۲ - دؤچاري -
 (۱) - دَرويِش - سو ۳ - مِچکه - مک (ار ۲ - دَرويِش - سو)
- دېواريشَن = رفتن (۱) - روين • دؤچندان = دوچندان، دوبرابر
 (۱) - دَرويِشَن - سو ۳ - رفته - ل (ار ۲ - دؤچندان - سو)

● دُوخت = دُخت ، دختر	● دُوختن = دوشیدن ۱- دُوخته
(۱- دُوخت- ل ۲- دُوْت- با ۲-)	(۲- ل ۲- دُوْتن- ز ۳- دُوشین- سو
دویت- ف)	(ار، ک)
● دُوْرک = دوره ، گرداگرد ۱-	● دُوْر = دور ۱- دور - سو، ار ۲-
دوره - سو، ار ۲- دُوْر- ل)	دویر- با ۳- دیر- ل)
● دُوْست = دوست ۱- دُوْست	● دُوْرا دُوْست = دورامید ، کسی که امید
- سو ۲- دُوْست- ار ۳- دُوْست- ل)	و آرزوهای دور و دراز دارد ۱- دور
● دُوْش = دوش ، دیشب ۱-	● دُوْش = دوش ۲- دُوْش- سو ۲- دورامید - ار)
دوش- ل ۲- دُوْش- سو، ار)	● دُوْروست = درست ۱-
● دُوْشپک = دوشب ۱-	● دُوْست - سو ۲- دُوْست- ار)
دوشو- سو، ار ۲- دُوْش- ز)	● دُوْریه = دوری ۱- دوری -
● دُوْل = دول ، دول آبگش ۱-	● دُوْل = دول ۲- دُوْل- سو، ار ۲- دُوْل- ل)
● دُوْمین = دومی (دُوْمین- سو)	● دُوْز = دزد ۱- دُوْز- ل ۲-
● دوت = دود ۱- دو- ز ۲-	● دُوْزینک = دوزخ ، نیش جانوران
دی- ل ۳- دُوْکل- سو ۴- دوده -	گزیده ۱- چز- ار، ل ۲- چزو -
ار، با)	سو ۳- چزه- ک)
● دُوْتک = دودمان ، دوده	● دُوْز = دزد (دُوْز- ل)
(۱- دودمان - ار ۲- دودمان- ل)	● دُوْزوار = دشوار ۱- دُوْزوار
● دُوْتکمان = دودمان ۱-	ز، سو ۲- دُوْش- ار)
دودمان - ار)	● دُوْزیه = دزدی (دُوْزی- ل)

• دوشین = دژ، دُش، زشت	• دوشین - سو، ار ۲ - دوتن - ز
(۱- دیش - ار، ک ۲ - دژ - سو)	• دوشیچک = دوشیزه، دختر
• دوشک = دوشک، توشک	(۱- دویت - ف ۲ - کنیشک - ار)
(۱- دوشک - سو ۲ - دوشک - ار)	• دوشیه = دژی، دُشی، زشتی
• دوشمن = دشمن (۱- دُشه -	(۱- دُشی - ار ۲ - دژی - سو)
ل ۲ - دژمن - سو ۳ - دژمن -	• دُولک = دول، دولچ (۱- دُولک -
ار ۴ - دُشمن - گ)	دُولک - سو ۲ - دُولچ - ار ۳ -
• دوشناتیه = دشمنی (۱- دُولک - ل)	
• دُشنایتی - سو ۲ - دژنایتی -	• دُوم = دُم (۱- دو - ار ۲ -
ار ۳ - دُشمنی - ل)	دوم - گ)
• دُوشمیه = دشمنی (۱- دُشمنی -	• دُوبک = دنب (۱- دوئه -
ل ۲ - دژمنی - ار)	ل ۲ - دوی - ار)
• دُوشنام = دشنام (۱- دُوشین - ک	• دُوشین - ک ۲ - دژمین - ار ۳ -
دُوشین - ک ۲ - دژمین - ار ۳ -	۲ - وتن - سو، ار ۳ - آخفتن - ز)
جوین - سو ۴ - دژمان - گ ۵ -	• دُی = پدید آورنده، آفریننده (
دژوین = ز ۶ - چنیو - مک)	۱- داهینز - سو ۲ - به دی هینز - مک)
• دُوشوار = دشوار (۱- دُشوار -	• دُپاک = دپا (دپا - ۳)
ار ۲ - دژوار - ز، سو)	• دُیر = دیر (دیر - ار)
• دُوشواریه = دشواری	• دُیز = دیز، دز، دژ (۱- دژ -
(۱- دُشواری - ار)	دژ - سو ۲ - دژ - ار)
• دُوشیتن = دوشیدن (۱- دُیش = دژ (دژ - سو)	

• دیتگ = دیگ (۱- دیگه - ل	• دیوژم = درم ، درهم (۱ -
۲- دیتزه - ار، سو ۳- دیتزه - ز)	درم - ار ۲- درهم - سو ۳ -
• دین = دین، آئین (دین - سو)	دراو - مک (
• دینار = دینار، پول (دینار - سو)	• دیوژنگ = درنگ ، دیر
• دیو = دیو (دیو - سو، ار)	(۱- درنگ - سو ۲- دیر - ار)
• دیوار = دیوار (دیوار - سو، ار)	• دیوژنگیه = درنگی ، دیری (۱-
• دیو دروج = دیو دروغ، دروگو	درنگی - سو ۲- دیری - ار)
(۱- درنجی درو - ار ۲- دیوی درو -	• دیل = دیل، دل (۱- دیل - ل
- سو)	۲- دل - سو، ار، ک)
• دیپیر = دبیر (۱- دیویر - ار	• دیل درتیه = دلدردی (۱ -
۲- دبیر - ل)	دیل دردی - ل ۲- دل دردی -
• دیپیرییه = دبیری (۱- دیویری	سو، ار، ک)
- ار ۲- دبیری - ل)	• دیل سوچک = دلسوزی (۱-
• دیتار = آشکار، پدیدار (دیوار	دل سوچی - ۲ - دلسوزی - سو)
- ار، سو، ل)	• دیلیو = دلیر (۱- دیلیو
• دیتیکر = دیگر، دیگری (دیگه -	ل ۲- دلیر - سو، ار)
- مک)	• دیوان = دیوان ، دادگرخانه
• دیدیشن = دیده، بینائی (۱ -	(دیوان - سو، ار، ک)
دیده - سو ۲- دیه - ار)	• دیه = دیه، روستا ،
• دیراز = دراز (۱- دراز -	آبادی (۱- دی - ل ۲- دی
ل ۲- دریتز - سو، ار)	- سو ۳- ددی - ار)

را

- را = راء، برای، به (را - سو) | سو ۲ - راوینان - ار ۳ - رَنَه - ل
- راذیناک = آراسته، آراسته | راه = راه، ره (۱ - را - گ ۲ -
- (۱ - رازیگ - ار ۲ - رازاوه - سو | ده - ل ۳ - ری - سو، ار)
- رازیاه - ک | ● رز = رز، تاکستان (رز - سو، ار)
- راذینتن = آراستن (۱ - | ● رزم = رزم، جنگ (۱ - رزم
- رازاین - ار ۲ - رازاندن - سو) | - سو، ار ۲ - رزم - ل)
- راز = راز، نهانی (راز - سو، ار) | ● رستک = رسته، روش، رفتار
- راذینتن = آراستن (رازاین - | (راستک - مک)
- (ار - | ● رَسَن = ورسن، رسن (۱ -
- راست = راست (۱ - راست - | رَسَن - ل ۲ - وریس - ز، ۳ -
- سو ۲ - راس - ار، ل) | ● رقتار = رفتار (رفتار - سو، ار)
- راستیه = راستی، درستی | ● رفتن = رفتن (۱ - رفته - ل ۲ -
- (۱ - راستی - سو ۲ - راسی - ار) | روین - ار ۳ - رویشتن - سو)
- راک = راک، قوچ جنگی (۱ - | ● رَم = رم، رمه (رم - ک)
- بَوان - سو، ار ۲ - واران - گ) | ● رَمک = رمک، رمه، گله
- رام = رام (۱ - رام - سو، ار ۲ - | (رمه - ل)
- رُم - ل) | ● رَنج = رنج، درد (رنج - سو
- ران = ران (۱ - ران - سو، ار، ار، ۳) |
- ۲ - رُ - ل) | ● رَنذینتن = خراشیدن (رَنین -
- رانتن = راندن (۱ - راوینان - سو، ار، ک)

- رَنگ = رنگ (رَنگ - سوار) • رۆچک = روزە (۱ - رۆچی -
 • رَواک = روا، شایان (رَو - ۲ - رۆچە - ک ۳ - رۆژو - سو
 - سوار، ل) ۴ - رۆژگ - ار ۵ - رۆژی - ز)
 • رَواکیه = روائی، روابودن • رۆچکار = روزگار، زمان (۱ -
 (رَوایی - سوار) رۆچیار - ۲ - رۆچیار - ار ۳ -
 • رَویشن = روش، رفتار (۱ - رۆژیاری - سو)
 رَوش - سو ۲ - رَوشت - ار) • رۆچناک = روشنا، روشن (۱ -
 • رَوپاس = روباه، روس (۱ - رۆچن - ۲ - رۆشن - ار، سو ۳ -
 رَواس - ۲ - رَیوی - سوار) (رۆش - ل)
 • رَوپاه = روباه (۱ - رَوا - ل) • رۆز = روی، یکجورتوپال (نل)
 ۲ - رَوی - ف ۳ - رۆقی - ز) هت (۱ - رۆج - ار ۲ - رو - ل)
 • رَوت = رود، رودخانه (۱ - رۆذیتن = روئیدن (رَوان
 رۆ - ز ۲ - رو - ل ۳ - روبار - سو - سو)
 ۴ - رۆخانه - ار) • رۆشن = روشن، درخشان
 • رۆتیک = روده، بُرانداف (رۆشن - ار، سو)
 (۱ - رۆدی - ز ۲ - ریخۆله - سو) • رۆشَنیک = روشن، روشنی
 • رۆچ = روج، روز (۱ - رۆچ (۱ - رۆشنی - ار، سو ۲ - روناکی
 - ۲ - رۆ - مک ۳ - رۆژ - سو مک)
 (۴ - روج - ل) • رۆشَنیه = روشنی، درخشندگی
 • رۆچانگ = روزنه، پنجره (۱ - رۆشنی - ار، سو ۲ - رۆچنی
 (۱ - رۆچنه - ۲ - رۆده - گ) (۳ -

● ریوغن = روغن (۱- روغان	● ریواس = ریواس ، ریاس (۱-
ف ۲- ریغو- ل ۳- روَن- ار	ریواس- سو، ار ۲- ریٹاس- ز
، سو، گ (۳- ریواو- سو ۴- ریواس- ل)
● روون = روغن (۱- روَن-	● ریتن = ریدن (۱- ریتَن-
ک ۲- روہن- سو)	ز ۲- ریہ- ل ۳- ریان- ار، سو
● روئی = روی، چہرہ (۱- رو- ، ک)	
سو، ار ۲- ری- ل)	● ریست = مُردہ (۱- رِست
● روسواک = رسوا، شرمسار	۲ سو- رست- سو)
(۱- رسوا- ار ۲- ریسوا- سو	● ریستاخیز = رستاخیز، بُقام-
۳- رسبا- ل)	برخاستن مردگان (۱- رِستاخیز
● روان = روان، جان (۱- -	۲ سو- رستاخیز- سو)
روان- سو، ار ۱- اروا- سو)	● ریش = ریش (۱- ریش- ار
● ریچیتَن = ریختن ، رشیدن	۲- ردین- مک ۳- ریہ- با۴-
(۱- ریژتَن- مک ۲- ریژنای	رہ- ز)
۳ سو- ریژان- سو، ار)	● ریک = ریگ، شن (۱- ریغ
● ریش = ریش، زخم (۱- ریش-	ل ۲- ریخ- ار ۳- زیخ-
ار ۲- ریش- ز، ل)	مک، سو)
● ریشتک = رشته، نخ (۱-	● ریم = ریم، چرک (۱- کیَم-
رشته- ل ۲- کِشتک- ار)	سو ۲- نیَم- ز)
● ریشتک = ریشہ (ریشہ- ار	● رین = بار، وار، دفعہ (
سو، ک)	را- ار، سو)

- زاریک = زاری (۱) - زاری - ۴ - زَرَنگَر - سو
- سو ۲ - زاربان - ار ● زَرگَرِیَه = زَرگَرِی (۱) - زَرَنگَرِی
- زاک = زاده ، فرزند (۱) - زاک - ک ۲ - زَرگَرِی - ار ۳ - زَرَنگَرِی -
- ار ۲ - زا - سو) مک
- زام = زمین (۱) - زَمِ - ل ۲ - ● زَرمان = زَرمان ، پیر (۱) -
- زَمین - مک ۳ - زوی - سو ۴ - زَرهان - ۲ ۳ - زَرهان - مک
- زَویَن - ار ۵ - زَفی - ز ● زَرمانیه = پیری (۱) - زَرهانی
- زانوکت = زانو سسو (۴) - ۲ ۳ - زَرهانی - مک
- زونی - ل ۴ - اَرَنو - مک ۳ - ● زَرین = زرین (۱) - زَرین - ار
- زانو - سو) ، ک ۲ - زَرین - مک
- زخم = زخم (۱) - زخم - ک ۲ - ● زَمان = زمان ، هنگام (۱) - زَمان
- زام - سو، ار ۳ - زَم - ل) - ار، سو ۲ - زِمو - ل)
- زَر = زر (۱) - زَر - ار ۲ - ● زَمانک = زمانه (۱) - زَمانه -
- زیر - سو) - ار، سو ۲ - زِمونه - ل)
- زَر توشت = زَرشت (۱) - ● زَمستان = زمستان (۱) - زَمان
- زَر دَشت - ۲ ۳ - زَر دَشت - سو، ار ۲ - زوسان - ک ۳ - زَرستان -
- زَر د = زرد (۱) - زَر د - سو، ار ۴ - زَرسو - ل)
- ۲ - زَر - ز) ● زَن = زن (۱) - زَن - ز ۲ -
- زَرگَر = زرگر (۱) - زَرَنگَر - ک ۳ - زَرَن - سو، ار، ک ۳ - زَرَن - ۴ -
- ۲ - زَرگَر - ار ۳ - زَرَنگَر - مک - زَرَنه - ل)

• زنجير = زنجير (۱- زنجير -	۱- ژيشک - سو ۲- ژوشک
ار ۲- زنجير - سو، ک)	مک ۳- ژرو - ل ۴- ژروژوان -
• زبند = زند، سفرنگ (زبند -	• زيوان = زبان (۱- ژوان -
سو)	ار ۲- زرو - ل ۳- زبان - سو ۴-
• زهر = زهر (۱- زهر - ار	زبان - ز)
۲- زهر - سو ۳- ژار - گ)	• زين = زين، زين اسب (۱-
• زهيتن = زهيدن، زائيدن	زين - ار ۲- زين - سو، ز)
(۱- زايين - سو ۲- زاييه - ل)	• زپندان = زندان (۱- زپندان
• زريته = زراه، دريا (۱ -	- سو ۲- زپنان - ار، ک)
زري - سو ۲- زريه - مک ۳ -	• زيرک = زيرک (زيرک
زريا - ک)	- ار، ک، سو، ز)
• زريه = زره، پوشش آهنين کبر	• زريستن = زيستن، زندگي کردن
بنگام جنگ بر خود مي پوشد (۱- زري)	، زيويدن (۱- ژريان - ار، سو ۲-
- سو، ار ۲- زره - ز)	زين - مک ۳- ژري - ز)
• زريان = زيان (زريان - سو،	• زيم = زم، زمستان (۱- زيمو
ار، ز، ک، گ)	- ل ۲- زيمان - ار ۳- زومان
• زريانکار = زيانکار (زريانکار	- ک ۳- زمستان - سو، مک
- سو، ار)	۴- ژسان - ۴)
• زور = زور، نیرو (۱- زور -	• زيندک = زنده (۱- زينده -
سو، ار ۲- زور - ل)	سو ۲- زيندو - مک ۳- زينه - ل ۴-
• زوزک = زوزه، خارشپت	زينه - ار ۵- زينده - ۴)

• سَوِگین = سرگین، شکل الاغ - با (
• سَنجیتَن = سنجیدن ،	• (۱) - سَرگین - سو، ۲ - سَنیَر
کشدَن (۱) - سَنجیہ - ل ۲ -	(ار -
• سَرماک = سرما (سَرمَا -	• سَنگانَن - ار ۳ - سَنگانَدَن -
(سو	ار، سو، ز)
• سَنگ = سَنگ (سَنگ - ار، ل)	• سَرو = سرو، درخت سرو
• سَنگین = سَگین (سَنگین - ار)	• (۱) - سَرو - سو، ار ۲ - سَوَل -
• سَنگیپَل = زَنجیل (۱) - زَنجیل	ک ۳ - سَوَل - ل)
سو ۲ - زَنجیل - ار)	• سَرنَگیز = گُرز (۱) - گُز -
• سَہم = سَم، ترس، بیم (۱) -	- سو، ار ۲ - گُورز - ل)
سَہم - ل ۲ - سَہن - ز)	• سَشت = شست - ۵۰ - (۱) -
• سَہمان = مرز، بوم (۱) -	سَشت - سو ۲ - شَس - ار، ل
سَہمان - مَک ۲ - سَنور - سو	۳ - شَیست - مَک)
• سَگ = سَگ (۱) - سَگ - ار، ار (
• سَپاس = سَپاس (۱) - سَپاس	سو ۲ - سَو - با ۳ - سَک - ز)
ار ۲ - سَپاس - سو)	• سَسم = سَم، ترس (۱) - سَسم -
• سَپاہ = سَپاہ، سپہ (۱) -	- ار، سو ۲ - سَسم - ل)
سَپا - ار ۲ - سَپا - سو)	• سَسن = سَمَن، گل سَمَن (
• سَپاہسالار = سَپہسالار،	سَمَن - سو، ار)
سَپہسالار (سَپہسالار - ار)	• سَہور = سَہور (۱) - سَہورہ
• سَپَر = سَپَر (سَپَر - سو، ار)	- سو ۲ - سَہور - ار ۳ - سَہوری

- سپرتن = سپردن (۱- سپارتن - سو ۲- سیتیز - ز)
 - ز ۲- سپار دین - سو، ار ۳- ● ستراوشمور = ستاره شمار
 سپرده ی- ۴) ، اخترشناس (استیوه ژمار)
 ● سپیت = سپید، سفید (۱- ● ستوت = پیوش، کرخ ،
 سپی - سو ۲- سپی - مک) گرفت (سو، ار، ل)
 ● سپیشی = شپش (۱- سپی) ● ستور = ستبر (۱- استور
 - ار ۲- اسپ - سو ۳- سپه - ز) - سو ۲- ستور - ز)
 ● ستار = ستاره ، اختر (۱- ● ستون = ستون (۱- ستون
 ستاره - گ ۲- آساره - ل ۳- - ار ۲- آستون - سو ۳- هتون
 هساره - ار ۴- استیوه - سو ۵- - مک)
 سیتیز - ز) ● ستهم = ستم (ستم -
 ● ستپر = ستبر، استبر (سو، ار، ل)
 استور - سو) ● ستروت = سرو (سرو -
 ● ستتن = ستن، ستاندن - سو، ار)
 ، گرفتن (۱- تسندن - سو ۲- ● سروو = شاخ، شاخ دام
 آستاندن - مک ۳- تسن - (۱- سترو - ز ۲- ستووه -
 ار، ک) (با)
 ● ستخر = استخر (۱- استیو) ● سیا = سیاه (۱- سیا - ار
 - مک ۲- استیل - سو ۳- ، سو ۲- سیاو - سو ۳- سو -
 هیل - ار، ک) (ل)
 ● ستتر = ستاره (۱- استیوه) ● سیاوخش = سیاوش (۱-)

سیاوخش - گ، ل ۲ - سیاو (ب :) ۱ - سور - ار، سو ۲ -	سیاوخش - گ، ل ۲ - سیاو (ب :) ۱ - سور - ار، سو ۲ -
حش - ۳ - ار)	سویر - ک)
• سیاوه = سیاہ (سیاو - ۳)	• سوسست = سُست (۱ - بست
• سوک = سود، برہ (۱ -	سو ۲ - بس - ار ۳ - سو ۳
سو - ار ۲ - سون - سو)	ل ۴ - شست - ز)
• سوگند = سوگند (۱ - سویند	• سوئسن = گل سوئسن (۱ - سوئسن
سو ۲ - سوین - ار ۳ - سوگند)	ز ۲ - سوئسن - سو، ار ۳ -
• سوئتن = سودن، سائیدن	سوئسنہ - مک)
(۱ - سوین - سو ۲ - سوئتن - مک	• سوش = شش، جگرسفید (۱ -
۳ - ساوین - ار)	سی - ار، سو ۲ - شش - ۳)
• سوچن = سوزن (۱ - سوزن	• سوئک = شش (۱ -
سو ۲ - دُرزی - سو، ار ۳ -	سیپلک - مک ۲ - شش - ۳)
دُرزن - ل)	• سومب = سہب، سم (۱ -
• سوختن = سوختن (۱ - سوختہ	سم - سو، ار، ز ۲ - سوم - ل)
ل ۲ - سوتان - سو ۳ - سوتیان	• سئ = سہ، ۳ (۱ - سئ
ار ۴ - سوتن - با ۵ - سوختن -	سو، ار ۲ - سہ - ل ۳ - سئ
• سوذن = سودن، سائیدن - ز)	
(سوئتن - مک)	• سیپ = سیب (۱ - سیف
• سور = ۱ - سرخ، قرمز ۲ -	ار ۲ - سیف - ز ۳ - سیو -
سور، شادی، مہانی (الف :)	سو ۴ - سیو - ل)
(۱ - سور - سو، ار ۲ - سور - ز	• سیژدہ = سیزدہ (۱ - سیژدہ

سو ۲ - سینزه - ار ۳ - سینزه - ۲ - ار ۲ - سینگ - سو ۳ - سینه - ل	
ل ۴ - سینگز - ک	• سی = سی، ۳۰ (سی - سو، ار)
• سین مورو = سیمرخ (۱)	• سین = سینه (۱) - سین - ار
سیمرخ - سو ۲ - سیمرخ (۲)	• سینگ - سو
• سینک = سینه (۱) - سینگ	• سیهور = سمور (سموره - سو)

شا

• شات = شاد، خرم (۱) - شا - ف ۴ - شونه - ل ۵ - شهبک -	
ار، ز ۲ - شاد - سو ۳ - شار - ل	ز ۶ - شه - با
• شاتیه = شادی، خوشی (۱)	• شاه = شاه (۱) - شا - ار ۲ - شاه
شایی - ار، ز ۲ - شادی - سو	- سو ۳ - شه - ل
• شازده = شازده (۱) - شازده	• شاه بلوت = شاه بلوت (۱)
- مک، ز ۲ - شانزه - سو ۴	شایی - ل ۲ - شابترو - ار
شانگزه - ار، ک	• شاهدانگ = شاهدان، شهدان
• شاک = شاخ، شاخه (شاخ)	(۱) - شادانه - ار ۲ - شاینه - ل
- سو، ار، ل	• شاهیه = شاهی (۱) - شاهی
• شام = شام، خوراک شب (۱)	- سو ۲ - شایی - ار
شام - ار ۲ - شیو - سو ۳ - شوم	• شایند = شاید (۱) - شاید
ل ۴ - شیوی - با	- سو، ار ۲ - شایت - ک
• شانگ = شان (۱) - شانگ	• شپ = شب (۱) - شیف - ز
ک ۲ - شانه - سو، ار ۳ - شانی	۲ - شف - با ۲ - شو - سو، ار

۴- شَوو-ل)	• شَقْتالوڪُ = شَقْتالو (هَشتالو
• شُپان = شُبان، چوپان (ار)	
(۱- شُوان - ۲- شوان-سو	• شُک = شُک، گمان (شُک
۳- شُغان-ز-۴- شَوَاو-ل)	(ار، شو)
• شُتر = شهر (۱- شُتر-ل	• شُکر = شُکر (۱- شُکر-ار
۲- شار-سو، ار، ۳- شُهر-ز)	۲- شُکر-سو)
• شُتردار = شهردار (۱-	• شُمشیر = شُمشیر (۱- شُمشیر
شُتردار-ل ۲- شاردار-سو)	(ار ۲- شیر-سو ۳- شور-ز)
• شُرم = شُرم (شُرم-سوار)	• شِه = شِه، شاه (شه-ل)
• شُصت = شُصت، ۱۵۰-۱)	• شُهریار = شُهریار (۱- شاپار
شُصت-سو ۲- شُص-ار، ل	گ-۲- شاپار-ار)
۳- شُپُست-مک)	• شُهریستان = شهرستان
• شُش = شُش، و (شُش-سو، ار، ل)	(۱- شُرستان-ل ۲- شارسَستان
• شُش سَت = شُشید، و	۳- شارسان-ار)
(۱- شُش سَت - مک ۲- شُش سَو شُکستن-ز ۲- شُکابن-ار	• شُکستن = شُکستن (۱-
-سو، ار)	۳- شُکابن-سو)
• شُغال = شُغال (چَقَل-ار	• شُکود = شُکود (شُکو-ار
سو، ل)	سو)
• شُفت = شُفتالو (۱- شُفتالو	• شُفَتَن = شُفَتَن، شُفون
ف-۲- هَشتاوی-گ)	(۱- شُفَتَن-ل ۲- شُفون-سو

۳- ژرفتن - ار ۴ - شفته ی ۳ (قشاب - ز)	
• بشنوگ = زانو (چونگ - ز)	• شیت = شید ، شید ، دختا
• شوشتن = شستن (۱-)	(۱- شید - مک ۲ - شید - سو
شوشته - ل ۲ - شتن - سو ۳ - شی - ار)	
۴- شورین - ار ۴ - شوشتن - ز)	• شیر = شیر درنده (۱- شیر
• شوی = شوی ، شوهر (۱-)	(سو ، ار ، ز ۲ - شیر - ل)
شو - سو ، ار ۲ - شی - ل)	• شیون = شیون ، زاری (۱-)
• شوپان = شبان ، چوپان (۱-)	شیون - سو ، ار ۲ - شیوه -
شوان - ار ۲ - چوپان - ک ۳ - ل)	
شو - ل)	• شیب = شیب ، سرازیری (شیو - ار)
• شونبت = شنبه (۱- شمه	• شیر = شیر خوراکی (شیر - سو)
- سو ۲ - شمه - ار ۳ - شمو - مک	• شیرین = شیرین (۱- شیرین
۴- شمه - ل ۵ - شهی - ز)	(۲- شیرین - سو ۳ - شیری - ل)
• شپاک = شپا ، مار بزرگ	• شیرینه = شیرینی (شیرینی - ز)

غ

• غن = زن (۱- ژن - ۲- ژن - سو ، ار ۳ - زن - ز)

ف

• فختیز = فخیز ، مهیز (۱-)	• فرنه = فر ، شکوه (فر - سو)
• فمیز - ار ۲ - مازه - مک	• فریش = تراشیده ، خراشیده
• فرگ = بخت ، اورید ، مارا	(شيله - مک)
(۱- فرشته - ار ۲ - فرشته - ل)	• فراچ = فراز ، بلندی (۱-)

افراز - ۲ - هَافراز - ۳ - هَواراز - ۲ - پَرسیار - سو	
• فرمائار = فرمانده (۱ - فرمائار - سو، ار)	
• فرای = زیاد (۱ - فیه - ار، ۲ - فرماندار - سو)	
ز، ل ۲ - فری - سو	• فرمان = فرمان، دستور
• فرجام = فرجام، پایان (۱ - فرمان - سو، ار، ۲ - فرمؤ	
فرجام - گ ۲ - انجام - ار، سو) - ل	
• فرزند = فرزند (فرزن -	• فرمان بورتار = فرمانبردار
ار، ک، گ)	(۱ - فرمانبردار - ار، ۲ - فرمانبر
• فرزائک = فرزانه، دانا،	- سو ۳ - فرمؤبر - ل)
موشیار (فیه زان - ار)	• فرمان بورتاریه = فرمانبردار
• فرزائکيه = فرزائگی، دانائی	(۱ - فرمانبردار - ار، ۲ - فرمانبری
(فیه زانی - ار)	- سو)
• فرزند = فرزند (فرزن -	• فرمان دائن = فرمان دادن
- ار، ک، گ)	(فرمان دان - سو)
• فرزندیه = فرزندی، پدر	• فرمایش = فرمایش (۱ -
و فرزند (فرزی - ار، ک، گ)	فرمایش - ار، ۲ - فرمایشت - سو)
• فرزام = فرجام (فرجام -	• فرموتن = فرمودن (فرموتن
گ)	- سو)
• فرسنگ = فرسنگ، فرسخ	• فرموش = فراموش، فرمش
(۱ - فرسنگ - سو ۲ - فرسخ - ار)	(فراموش - سو، ار)
• فرشن = پرش (۱ - پرس -	• فرموشیتاریه = فراموشی

• از یادبردگی (فَراموشی - سو، ار)	• فَرَهَنگیگ = فرهنگی (فَرَهنگی)
• فَرَمُوشِیَن = فراموشیدن - (سو، ار، سو)	
• فراموش کردن (فَرامُوشیدن - سو)	• فَرِی آپ = پرآب (۱) - پَر آو - (سو، ار ۲ - تَری آف - ز)
• فَرِنا فَنَن = رفتن (۱) - رَوَفَنه	• فَرِیات = فویاد (۱) - فَرِیاد - ار
• ل ۲ - رَوین - ار ۳ - رَوِشَن (سو)	• فَرِیا - سو، ک (۲)
• فَرِنا میَشَن = خُم شدن، پَست	• فَرِیپ = فریب (۱) - فَرِیو -
• (کِرَمُوش - سو)	• ۲ - فَرِیو - ار، سو (۲)
• فَرِوختَن = فروختن (۱) - فَرِوختَه	• فَرِیفتَن = فریفتن، گول زدن (۱) -
• ل ۲ - فَرِوختَن - ار، ز ۳ - فَرِوشتَن	• فَرِیونای - سو، ۲ - فَرِیودان - سو، ار (۲)
• (سو)	• فَرِیفتَنگ = فریب خورده (۱) - فَرِیو
• فَرِهات = فرهاد، یاری دهنده	• وَرده - سو، ۲ - فَرِیو خوار دِگ - ار (۲)
• (۱) - فَرِهات - مک ۲ - فَرِهات - سو، ار	• فَرِیه = زیاد (فَرِی - سو، ۲ - فَرِه - ار، ل)
• فَرَهَنگ = فرهنگ (فَرَهَنگ)	• فَرِشَنجِیَن = پاشیدن، پخش کردن
• (سو، ار)	• (۱) - وَشائِن - ار ۲ - وَشاندَن - سو (۱)

کا

• کا = هنگام (۱) - کات - سو، ۲ - (سو، ل)	
• کائِک - ز	• کار = کار (۱) - کَلَر - سو، ار، ل ۲ -
• کاپور = کافور (کافور - سو، ار، ز)	• کد - مک (۲)
• کاج = کاج، کاش، کاشکی (۱) -	• کار آکاس = کار آگاه، کارشناس
• کاش - ار ۲ - کاشکای - ک ۳ - کاشکی (۱) - کارناس - ار ۲ - کار آشنا - سو	

- کار آکاسیه = کار آگاهی، کار • کاریگر = کارگر، کارکننده (۱) -
- شناسی (۱) - کارناسی - ار ۲ - کاریگر - ار ۲ - کارگو - کث ۳ -
- کار آشنایی - سو) • کبریکار - سو)
- کارت = کارد، کز لک (۱) - • کاریه دست = کار دست (د
- کاره - سو ۲ - کپرد - مک ۳ - کاری دستی - سو)
- وپیود - ار ۴ - کارچو - ل ۵ - کیوک - ن • کاریه ویناس = گناهکاری (۱) -
- کارفرمان = کارفرمان، کارفرما • گنا کاری - سو ۲ - گناجاری - ار)
- (کارفرما - سو) • کاسوک = کاسه پشت، لک
- کارنامک = کارنامه، جنگنامه پشت (۱) - کیسل - ار، سو ۲ -
- (۱) - کارنامه - سو، ار ۲ - دیروک - کیسو - ز ۳ - کوسل - با)
- ز، با) • کاشتن = کاشتن، کشتن (۱) -
- کاروانیک = کاروانی، کاربانی کوشته - ل ۲ - کپدن - ار ۳ -
- (کاروانی - سو، ار، ز) • شانای - ۴)
- کارووان = کاروان (۱) - کاروان • کاشنیک = کاسنی، کسنی (د
- سو، ار، ز ۲ - کایم - ل ۳ - مکاره - کاسنی - سو، ار)
- مک) • کاف کوف = کوه قاف (۱) -
- کادیک = کادی، داور، قاضی کیفی قاف - ار ۲ - کوی قاف - ۳
- (۱) - کادی - گ ۲ - قاضی - سو، ار) • کپوی قاف - سو)
- کاریک او مند = کارمند، دارای • کاکو مک = قاقم، آ آس (۱) -
- نیروی کار (۱) - کارمند - سو ۲ - قاقوم - سو ۲ - قاقم - ار)
- کارمن - ار، کث) • کالیت = کالب، کالبد (۱) -

قالب - ار، ۶ - ۲ - قالب - مک - ۳ - ز، با)	
• کلس = کت، کاریز (کاریز کلو - با)	
• کام = کام، خواست (۱ - کام - سو، ار، ک)	
• کتسیک = کاریزی، کاریزن (کاریزن - ار)	
• کامک = کامه، کام، آرزو (کامه - ار)	
• کخون = کهن (۱ - کخون - ار)	
• کان = کان (۱ - کان - ار - ۲ - سو، ۲ - کون - با - ۳ - کفن - ز)	
• کانگا - سو)	
• کانکيه = چشمه آب، فرکند - سو، ار، ۲ - کینچی - مک)	
(۱ - کافی - سو، ار، ۲ - هانه - مک)	
• کتر = کر، ناشنوا (۱ - کتر - سو، ار، ل، ۲ - کهر - با)	
• کاه = کاه (۱ - کا - سو، ار، ز)	
• کاهریزک = ریزه کاه (۱ - سو، ار)	
• کاپوت = کپود، آبی رنگ (۱ - کلاک - ار - ۲ - دک - سو)	
• کتام = کدام (۱ - کام - سو - ۲ - کورت = ۱ - کاره - ۲ - کردار)	
• کتامچی = کدام، چه کسی (۱ - سو، ار)	
• کوم چه - ل - ۲ - کیتها - ل - ۳ - کیشک)	

• کورتک = کوت، کورتو، تکه	• کچک (ار)
• بریده شده (۱- کورتک - ز)	• کرم = کرم (۱- کرم - سو، ار)
• کورت (سو)	• ل ۲- کرم - ز)
• کورتک کورتک = تکه تکه، تیکه	• کویته = کلاته، کلات، دثر
• تیکه (کورتک کورتک - ز)	• (۱- کلات - سو ۲- قلات - مک)
• کورتن = کردن (۱- کردن ۳- قلا - ار ۴- قلا - ل)	
• سو، ار ۲- کرده ی - ۳ کرده	• کس = کس (۱- کس - سو، ار)
• ل -	• ل ۲- کسک - ز)
• کورچک = تکه، خورده، تکه	• کسان = کسان، نزدیکان (۱-)
• کوچک (۱- کورتک - ز ۲- کارتک کسان - سو، ار ۳- کسان - ز)	
• سو ۳- کرک - با)	• گست = گس، بد، پلید، فرومایه
• کورچنگ = خورچنگ، کلنجار	• (۱- گست - ۲ گس - گ)
• (۱- کورژنگ - ل ۲- قورژانگ -	• کش = کش، زیربغل، بغل)
• ار ۲- قورژال - سو ۳- کیفژاله - ز)	• ۱- کش - ل، ار ۲- پن گوش - سو)
• کرک = کرک، ماکیان، مرغ	• کشتیک = کشتی (کشتی - سو، ار)
• خانگی (۱- کرگ - گ ۲- کرکه -	• کشک = زیربغل، بغل (۱-)
• ک ۳- کرگه - ۴ کرگ - با)	• کش - ل، ار ۲- پن کلیشه - مک)
• گورکاس = کرکس (۱- کرگس -	• کشین = کشیدن (۱- کیشان)
• ار ۲- کرگز - ک)	• سو، ار ۲- کشیه - ل)
• کورکینهن = سنگ (۱- کور -	• کش = کش (۱- گوش - ار،
• ۲- کفر - ز ۳- کبر - ک ۴ -	• سو ۲- گوش - ل)

• کفشگر = کفشگر (۱- گوشگر	• کنار = کنار، کوان، لبه (۱- کنار - سو ۲- گوشکار - ل)
• کفیز = کفیز (گویژ-ار)	• کنار - سو ۲- کنار - ار، ل، ز)
• کملوکٹ = کلوکٹ، کلوخ (۱- کنار - سو ۲- کنار - ار)	• کنارکٹ = کنار، کوانه (۱- کنار - سو ۲- کنار - ار)
• کلیسائیٹیک = کلیسائی، ترسا	• کنتار = کنتده (هلکن - سو)
(کلیسائی - سو، ار)	• کمتن = کندن (۱- کندن - سو ۲- کتن - ار)
• کم = کم، اندک (۱- کم - سو	• کندک = کندک (۱- کندک - مک ۲- کندک - ز ۳- خنک
• کمان = کمان (۱- کمان - سو ۲- کوان - ار ۳- کمو - ل ۴- کمان - ز)	• کمان - سو ۲- کوان - ار ۳- کمو - ل ۴- کمان - ز)
• کمتر = کمتر (کمتر - سو، ار)	• کمنیج = کمنیز، دختر (۱- کمنیج - سو ۲- کمنیج - سو ۳- کمنیج - سو ۴- کمنیج - سو)
• کمور = کمور، کمربند (کمور - سو، ز)	• کچ - سو ۲- کچ - سو ۳- کچ - سو ۴- کچ - سو
• کم رنجیه = کم رنجی (۱- کم رنجیه - سو، ار ۲- کم رنجی - سو ۳- کم رنجی - سو ۴- کم رنجی - سو)	• کم رنجیه = کم رنجی (۱- کم رنجیه - سو، ار ۲- کم رنجی - سو ۳- کم رنجی - سو ۴- کم رنجی - سو)
• کمند = کمند (۱- کمند - سو	• کمند = کمند (۱- کمند - سو ۲- کمند - سو ۳- کمند - سو ۴- کمند - سو)
• کمن = کمن (ار، ل)	• کمن = کمن (ار، ل)
• کمنیه = کمنی، کمبودی (۱- کمنیه - سو ۲- کمنیه - سو ۳- کمنیه - سو ۴- کمنیه - سو)	• کمنیه = کمنی، کمبودی (۱- کمنیه - سو ۲- کمنیه - سو ۳- کمنیه - سو ۴- کمنیه - سو)
• کمنی - سو ۲- کمنی - سو ۳- کمنی - سو ۴- کمنی - سو	• کمنی - سو ۲- کمنی - سو ۳- کمنی - سو ۴- کمنی - سو

• سو، ار ۲ - کاروا - ک ۳ - گهردا	• کۆر = کور، نابينا (۱ - کۆر - ۳، ز)
• ل ۴ - گهربان - ز)	• ۲ - کور - ل ۳ - کوپور - سو، ار)
• گهون = کهن (۱ - کۆن - ار)	• کۆريه = کوری، نابينا ئی (۱ -
• سو ۲ - گون - با ۳ - گفن - ز)	• کۆری - ۳، ز ۲ - کوری - ل ۳ -
• گهونيه = کهنی، کهن بودگی	• کوپوری - سو، ار)
• (۱ - کۆنی - سو، ار ۲ - گفنی - ز)	• کۆشيتار = کوشا، کوش کشته
• گکی = ککی، بزرگ (۱ - گکی	• (کۆشیار - سو)
• سو، ار ۲ - گکیا - ز)	• کۆشيشن = کوشش (کۆشش
• گکی گوات = گکی قباد، گکی غباد	• سو، ار)
• (گکی قواد - سو، ار)	• کۆف = ۱ - کوه ۲ - تپه (الف)
• گکیوان = کیوان، ستاره کیوان؛	• (۱ - کيف - ار ۲ - کیو - سو ۳ -
• (۱ - گکیوان - سو، ار ۲ - گکی - ک)	• کۆ - ۳ (ب)؛ کۆپ - ز)
• گکی هوسرو = کیخسرو (۱ -	• کۆف ای پتیشخوار = کوم -
• گکیخسرو - ک ۲ - گکیخسرو - سو)	• پتیشخوار (کیفی پتیشخوار - سو)
• کۆت = توده، گروه (۱ -	• کۆفتن = کوفتن، کوپیدن (۱ -
• کۆ - ار ۲ - کۆمله - سو)	• گتان - سو، ار ۲ - کۆفته - ل ۳ -
• کۆتاه = کوتاه (۱ - کۆتا - ح	• گلفاندن - با)
• گ ۲ - گرت - سو، ار)	• کۆفیچ = قفیز، پیمانه (۱ -
• کۆخشیتن = کوشیدن (۱ -	• گوگیر - ار ۲ - گفگیر - ز)
• کۆشین - سو، ار ۲ - تی کۆشین -	• کۆفیک = کوهی، کوهستانی (۱ -
• مک، ار)	• کیفی - ار ۲ - کیوی - سو)

• کیشور = کشور ، سوزمین	• کیمار = خار (۱- کیوار -
(کیشور - سو)	ار ۲- کیوار - ل)
• کیشویچار = کشت (۱- کشت	• کیتر = کمتر (۱- کیتر - مک
وکار - ل ۲- کشتو کال - سو)	۲- کمتر - ار، سو)

گا

• گائن = گادن ، گائیدن (۱- گاورس - ل)	• گامیش = گاومیش (۱- گامیش
گاین - سو، ار ۲- گاین - ل)	گاومیش - ل)
• گازر = گازر، رختشوی -	سو، ار، ز ۲- گامیش - ل)
(گازر - ز)	• گایوت = چراگاه (۱- یورت
• گاس = گاه ، جاء ، زمان (۲- ویرت - ار)	گا - ار، سو، ل)
• گاه = گاه ، زمان (۱- گا - ار، سو	• گام = گام (۱- گوم - ل ۲- ل ۲- گاف - ز ۳- گاوه - با)
• گاف - ز ۳- هنگاو - سو، ار ۴-	• گاهوارکٹ = گاهواره، گهاڑ
پینگاف - با)	(۱- گوداره - ل ۲- گواره - ار ۳-
• گان = جان (۱- گیان - ار ۲- گافاره - با)	• گئوتر = گوساله (۱- گوئره که
گیان - سو)	• گاو = گاو (۱- گاو - سو ۲- گا -
• گاو - سو ۲- گا -	ار، سو ۲- گوئر - کٹ ۳- گوئرکٹ
ار، ز ۳- گوئر - ل)	ز ۴- گوسال - ل)
• گاوریس = گاوریس ، ارزن (۱- گت	• گت = گکرز (۱- گکرز - سو، ار ۲-
گارِس - ز ۲- گال - ار، سو ۳- گورز - ل)	

گتک = چاک، قباله (۱) - ار، ز ۲ - گردِه - ل	گتک = چاک، قباله (۱) - ار، ز ۲ - گردِه - ل
گوده - با ۲ - چاخ - ار	گوت = گرد (۱) - گرت - ل
گج = گج (۱) - گج - ار، ل ۲ - ار ۲ - گردِ و ن - ل ۳ - گردِ ف	گرم = گرم (۱) - گرم - ل
گیچ - سو	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گیچین = گچی (۱) - گچین - ار ۲ - گرتیشین = گردیدن، چرخیدن	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گیچین - سو	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گر = ۱ - تپه ۲ - گر، کل، کچل، گران - ز	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
(الف ؛) (۱) - گرد - سو ۲ - گردو، کبک	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
مک - ۳ - گردوک - ز ۴ - گو - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
ب ؛) (۱) - گو - سو، ار ۲ - گر - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گران = گران، پر بها، سنگین	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
(۱) - گران - سو، ار، ز ۲ - گو - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گرانگان = تگرگ (۱) - تگر - کتده (گازنده - کر - ز)	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
ل ۲ - تگرگ - ف ۳ - گاریو، ک	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
- ز	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گرت = گرد (۱) - گرت - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گره - ار ۳ - رتام - با	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گرتایشین = گرداندن، چرخاندن	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
(۱) - گران - ار ۲ - گران - سو	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
۳ - گردنه - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز
گرتین = گردن (۱) - گردن - ل	گرمایک = گرمایه (۱) - گرمای - سو ۲ - گرمای - ز

• گرمیه = گرمی (گرمی - سو، ار)	• گشتن = گشتن (۱ - گشته - ل ۲ -
• گرو = نیرو (۱ - گرو - ار ۲ -	• گشتن - گ - ۳ - گینلای - سو)
• گریک (ک)	• گشنیچ = گشنیز، سبزی گشنیز
• گروتمان = گروتمان، آسان	• (۱ - گشنیز - ل ۲ - گرنیژه - سو
(آزمان - ز)	۳ - گرنیژه - ک ۴ - گرنیژه - ار ۵ -
• گزدوم = کژدوم (کولژدوم	• گرنیژه - گ)
(ل -	• گلوک = گلو (۱ - گلو - ار ۲ -
• گزند = گزند، آزار، رنج	• گرو - سو، ز ۳ - قرتک - ک)
(گزنه - ار)	• گنج = گنج، گنجینه (گنج - سو)
• گزیتن = گزیدن، گازگرفتن	• گنجور = گنجور (۱ - گنجور - سو
(۱ - گزتن - سو، ز ۲ - گزین - ار)	۲ - گنجدار - ار، سو)
• گزیزک = جزیره (۱ - گزیره	• گنجوریه = گنجوری (گنجوری - سو)
- سو ۲ - گراوه - ار)	• گنجینک = گنجینه (گنجینه - ار
• گزیشن = گزش، یش زدگی، سو)	
(گزین - ار)	• گند = گند، بوی بد (۱ - گند - سو
• گزاک = گزنده، یش زننده	۲ - گن - ار ۳ - گندزه - با)
(۱ - گزک - ز ۲ - گزیده - ار)	• گندک = گندیده (۱ - گنیگ
• گژدم = کژدم (۱ - کولژده دم	- ار ۲ - گنیو - سو ۳ - گنی - ل)
(ل ۲ - کلاشدوم - گ)	• گندوم = گندم (گنم - ار، زل)
• گشت = گشت، گردش	• گندیسن = گندیدن (گنین -
گفت - ار، سو، ل، ز)	سو، ار)

• گواژن = گوزن ، گاوکوهی	۳- گریای - ۶)
(گوزن - ار)	• گریس = گره (گری - سو، ار)
• گوال = گوال، جوال (۱-)	• گریستن = گریستن، گریه کردن
گوال - ل ۲- جوال - سو ۳- (گرین - سو)	
جوال - ار)	• گریفتار = گرفتار (گریفتار - ار)
• گور = دره بگود (گوده - ل) (سو)	
• گوریه = گودی (گودی - ل)	• گریفتن = گرفتن (۱- گریتن)
• گزو = گرو، گروگان (۱-)	- سو، ار ۲- گردن - ک، گک ۲-
گزو - ار، سو ۲- گویو - مک ۲- (گرمه ی - ۳)	
گزو - ز)	• گریناک = تمذر، تندور (۱-)
• گزودگرتن = گزود کردن (۱-)	گرهه - ار ۲- گرین - سو ۳- گوله
گزود کردن - ار، سو ۲- گویوکون - مک)	
- مک)	• گویوک = گریوه، گردنه
• گزوه = گرده، دسته (۱-)	(۱- گریوه - ار ۲- گردولک - مک
گزو - ار ۲- گزو - ک)	۳- گرد - سو ۴- گز - ل)
• گزودشن = گروش، باور (۱-)	• گریه = گره (۱- گری - سو، ز
گور - با)	ار ۲- گرم - ل)
• گره = گره، چوب (۱-)	• گریاک = جا (۱- چیکا - سو ۲-
گری - سو، ار، ز)	جی - ار ۳- جاکه - ۳)
• گریان = گریان، گریه کردن	• گیان = جان (گیان - ار)
(۱- گریان - ار ۲- گریان - ک)	• گیاه = گیاه (۱- گیا - ار، سو، ز

۲- گیوا- مک	سو ۴- گهار- ز
● گور = ۱- گور، گورخو- ۲- گور،	● گوشتین = گوش دادن (۱- گوش
گود (۱- گور- ار ۲- گور- سو،	ذیه- ل ۲- گوی دان- سو)
ار، ک، گ	● گوشتین = گفتن (۱- گتن- سو-
● گوز = گوز، گودو (۱- گوز- ۳	وتن- ار ۳- گوتن- ز ۴- آخفتن
، ز ۲- گوتن- سو، ار ۳- گود- ل)	(با ۵- آخفتن- ز)
● گوزی هیندوک = جوز هندی	● گوگرت = گوگود (۱- گوگرت
، گردوی هندی (۱- گوزی هیندوک	- ار ۲- گوگرت- با)
- ز ۲- گویزی هندی- سو)	● گومیز = گمیز گاو، پشاب گاو
● گو سپند = کوسفند (گو سپند	(۱- گومیز- ل ۲- میزی گا- ار)
- ک)	● گون = گون، رنگ (گون- گ)
● گوش = گوش (۱- گوش- ۳- ۲	● گوئبت = گنبد (۱- گمیز- مک
گوش- ل ۳- گویچکه- ار ۴- گوی	۲- گمز- ار ۳- گومه- ل)
- سو ۵- گه- ز ۹- گو- با)	● گونک = گونه، چهره (۱- گونا
● گوشت = گوشت (۱- گوشت	- ار ۲- گپ- ک ۳- کلمه- سو)
- سو، ار ۲- گوشت- ل)	● گونک گونک = گوناگون (
● گوشتین = گوشتین، گوشتی	گوناگون- گ)
(گوشتی- سو، ار)	● گوا = گوا، گواه (گوا- ار)
● گوشک = گوشه (گوشه- ار ۱)	● گوواک = گویا، سخن گویا
● گوشوار = گوشواره (۱- گوشوار	(گویا- ار، گ)
- ل ۲- گوشواره- ار ۳- گواره-	● گوویچار = گفتار (۱- گتار- مک

- ۲- وِتار - سو، ار)
 • گؤهر = گوهر (۱- گؤهر - ار ورسى - ۶)
 ، سو ۲- گؤر - ك)
 • گؤپوت = چراگاه (وئرت - ار) گؤسنه - ل)
 • گؤچ = گردو (۱- گؤز - ۶، ز)
 • گؤل = گل، گل سرخ (۱- گؤل - ل)
 ۲- گؤيز - ار، سو)
 • گؤربك = گربه (۱- گُربه)
 - سو ۲- گُربه - ار ۳- گؤروه - ل)
 • گؤرْت = گرد، پهلوان، دلاور
 (گرد - سو، ار)
 • گؤرتك = گرده، كليه (۱- ۲- گؤمه - ل ۳- گمیز - ار)
 • گؤچك - ار، ز ۲- گُرجيك - ل)
 • گؤمى = باء، باهم (۱- له گُل - سو ۲- د گُل - مك ۳- گرد - گ)
 • گؤمىخك = آمىخته (۱- آيْتَه - ل)
 • گؤرسكیه = گوسنگى (برسيق - سو ۲- آويته - ار ۳- آيْتَه - ز)
 - سو)
 • گؤناك = گناه (۱- گؤنا - ل)
 • گؤرگ = گرگ (۱- گرگ - ۲- گناه - سو ۳- گناح - ار ۴- ار، سو ۲- ورك - ۳- گؤرگ - ل)
 • گؤند = گند، خايه (۱- گؤن - ۴- گر - ز)
 • گؤرسنگيه = گوسنه (۱- ل ۲- گن - سو، ار ۳- گنك - ز)
 • گؤه = گه، پاشتى (۱- گؤ - سو، ار ۲- برسيق - سو ۳- گؤه - ل)

ز ۲- گی - ل)	- سو، گ)
• گوئه ورت = سرگین گردان، گو	• گیران = گران، سنگین (۱)
گردانک (۱) - گو، گلو، کر - ک ۲	گران - سو، ار، ز ۲ - گرو - ل)
کیز - با ۳ - کیزک - ز ۴ - گی، گاؤ	• گیوت = گره، لنبه (۱) - گره - ل)
	ار، سو، ل ۲ - به گرو - مک)
• گیتاه = گیتی (گیتی - گ، سو)	• گیل = گل، خاک (۱) - گیل - ز ۲
• گیس = گیس، گیسو (۱) - گیس	گل - سو، ار)
- ار ۲ - گیس - ل)	• گیلک = گلک، گله (۱) - گله
• گین = گینه، آبگینه، آئینه	- سو، ار ۲ - گلی - ل)
(آفگینه - ز)	• گیلین = گلی، خالی (۱) - گیلین - ز
• گیواک = جا، جایگاه (۱) - جیگا	۲ - گیلین - سو، ار ۳ - گلی - ل)
- سو ۲ - جیگه - ار)	• گیوک = گیوه، کفش ()
• گیهان = گیهان، جهان (گیهان، گیوه - ار، ل)	

• لوف = لوده، دبه (۱) - دبه	- ار ۲ - لشکر - سو)
- ار ۲ - لولکه - ل ۳ - لاقه - ز)	• لف = لفج، لو، لب (۱) - لیف
• لپ = لب (۱) - لو - گک ۲	- ز ۲ - لیج - ک ۳ - لیو - سو، ار
لو - ل)	۴ - لو - گ)
• لوزیتن = لوزیدن، چیندن	• لوتک = لوت، لخت، برهنه
(۱) - لوزین - سو، ار ۲ - لوزسه - ل)	(۱) - روت - سو ۲ - لوت - ار ۳
• لشکر = لشکر، سپاه (۱) - لشکر	قوت - ک ۴ - ریت - ل ۵ - زلوت

ما

- ز، با) • لیشتن = لیشتن، لیسیدن (۱) -
 • لیستَن = لیسیدن (۱) - لیشتن - لیشته - ل - ۲ - لیستَن - مک - ۳ -
 - ار - ۲ - لیسان - ک - ۳ - آوستَن لیسیان - ار - ۴ - آلیستَن - ز - ۵ -
 - با - ۴ - لیستَن - سو - ۵ - لیشته - ل) آوستَن - با)

ما

- مائِک = ماده (۱) - ما - ار، ل • مالیشن = مالش (۱) - مالِشَت
 ۲ - میچکه - سو - ۳ - مها - با - ۴ - می - ار - ۲ - مالن - سو)
 - مک، ز) • مانتَن = ماندن (۱) - مان - ار - ۲ -
 • ماتیان = مادیان (۱) - مایین - مانه وه - سو - ۳ - مَن - گ - ۴ - مَنه
 - ار، سو - ۲ - ماین - مک - ۳ - ل - ۵ - مایین - ز)
 • ماهین - گ - ۴ - موهو - ل) • مائِک = مانه، ابزارخانه د
 • ماد = ماد، تیغه، ماد، کَره - مان - سو، ار، ک)
 (ماد - سو، ار، ز) • ماه = ماه (۱) - ما - ل - ۲ - مائِک
 • مادیک = مادی (مادی - سو - سو، ار - ۳ - مَوَنگ - ۴ - گ)
 ، ار، ز) • ماهان = مَهان (۱) - میوان
 • مادیگان = مادها، کُردها - سو، ار - ۲ - میمان - ک - ۳ - مَهان
 - با - ۴ - میهو - ل - ۵ - میهقان - ز)
 (مادکان - سو) • مار = مار (مار - سو، ار، ز، ل) • ماهیک = ماهی، پرویز (۱) -
 • مارگریه = مارپیکر (مارپیکر - مایی - ل - ۲ - ماسی - سو، ار، ز - ۳ -
 - سو، ار، ک) • ماساو - ۴)

● مَن = آمدن (۱- هاتج - سو	● (۱- مَرْدَم دُوستی - سو ۲- مَرْدَم
● (۲- آماي - سو)	● (دُوستی - ار)
● مَخَش = مکی (۱- میث - سو	● مَرز = مَرز (مَرز - ار)
● (ار، ز ۲- مَشی - گ)	● مَرزبان = مَرزبان، مَرزدار (
● مَد = می، باده (می - سو	● مَرزوان - سو، ار)
● (ار، ه، ز)	● مَرزنگوش = مَرزنگوش (۱-
● مَدکُون = میگون، بَرنگ می	● مَرزنگوش - ک ۲- مَرزنجوش - ار)
● (می گون - سو)	● مَرگ = مَرگ (مَرگ - سو، ار)
● مَدیه = می، باده ئی (● مَرواریت = مَروارید (۱-
● می - سو، ار، ه، ز)	● مَروارِی - سو، ار ۲- مَروارِی - ل)
● مَرْت = مَرْد، کاک (۱- مَرْد	● مَرْدِ یَسَن = مَرْدِ یَسَن، مَرْدِ ا
● (ار، ل ۲- مَرْتیه - گ ۳- مَرْتیه	● پَرست (مَرْدِ سَنی - سو)
● با ۴- مَرَوُف - ز)	● مَرُک = مَره، چیش (۱- مَره
● مَرْتانک = مَرْدانِه (۱- مَرْدانِه	● - سو، ار ۲- مَره - ل)
● = ار، سو ۲- مَرْدوَنه - ل)	● مَرُگ = مَره، مَرگان (۱-
● مَرْدانِکِه = مَرْدانگی، دَلیری	● مَرْتانگ - ل ۲- بَرْتانگ - م ۳-
● (۱- مَرْدی - ار، ل ۲- مَرْدایِتی -	● بَرْتانگ - سو، ار ۴- مَرْدوَنگ - ن)
● سو ۳- مَرْدوَنایِتی - ز)	● مَرُگ = مَره، مَرَسو (۱-
● مَرْتوَم = مَرْدَم، اَز تَخِه کاک	● مَرُگ - ل ۲- مَرُگ - ار ۳- مَرُک
● (۱- مَرْدَم - سو ۲- مَرْدَم - ار، ل)	● مَرُک - م ۴- مَرُشک - سو)
● مَرْتوَم دُوستیه = مَرْدَم دُوستی	● مَرُگت = مَرُگت، مَسجد

● مؤزک = مژه، مژگان (ر)	● مؤزانگ - با ۲ - مؤؤل - مک ۳ -
● مؤزلانگ - با)	● مؤزانگ - ز)
● مومت = ممت، کف دست	● ممتش = ممتش، گوسفند (۱ -
● مومت - سو، ز)	● ممت - سو ۲ - می - ل ۳ - ممتی -
● مومت = ممت (۱ - ممت - ز)	● مک ۴ - ممتش - ز)
● سو، ار ۲ - مؤشگ - ل)	● ممتشگ = میزک، شاش (۱ -
● ممتچ = مژه، مژگان (۱ -	● ممتز - ار ۲ - ممتز - سو، ز)
● ممتزیدانگ - ز ۲ - مژه - ار)	● ممتن = ممتش، اندیشه (۱ - ممتنه
● ممتچک = مژه، چشمه (۱ -	● سو ۲ - ممتن - ار)
● ممتدک - ار ۲ - مژه - سو، ار)	● ممتز = ممتز، مهر (۱ - ممتز -
● ممتخ = ممتخ (۱ - ممتخ - ار ۲ -	● ار ۲ - ممتز - سو)
● ممتخ - ل)	● ممتزگان = مهرگان، چشن
● ممتدان = میدان، میدان جگ	● مهرگان (۱ - ممتزگیان - سو
(۱ - میان - ار ۲ - ممتدان - سو	● ممتزدهگان - ار)
۳ - ممتو - ل ۴ - ممتدان - ز)	● ممتزو بان = ممتزبان (۱ -
● ممتزک = میره، شوهر (۱ -	● ممتزو ان - ار ۲ - ممتزبان - سو)
● ممتزک - ز ۲ - ممتز - سو ۳ - میره	● ممتزی = ممتز، پاداش (۱ -
● ل)	● ممتز - سو، ار ۲ - ممتزک - ز)
● ممتزیتن = ممتزیدن، شاشیدن	● ممتزور = ممتزور، مزدور
(۱ - ممتزیتن - ار ۲ - ممتزیتن - سو)	● ممتزور - سو، ار)
● ممتزوک = مژگان، مژه (۱ -	● ممتاک = ممتا، آبگینه)

مینا - سو، ار، ز، کث (۱ - میوه - سو، ار، کث ۲ -
 • میوکث = میوه، بر، بار میفه - ز، با)

نا

• نائیریکث = بانو (۱ - یای - ۳ - نائیکث - ز)
 مک ۲ - بانو - سو ۳ - بانو - ار) • نالون = نادون ، ناله کنان (۱ -
 • ناخن = ناخن (۱ - ناخوین - نادون - سو، ار)
 ار ۲ - ناخن - سو ۳ - ناخو - ل ۴ - • نام = نام (۱ - نام - ۲ - ناو
 - سو، ار ۳ - نائف - ز ۴ - نیو - مک
 • ناخون = ناخن (۱ - ناخون - ۵ - نیف - با ۶ - نو - ل)
 کث ۲ - ناهون - ۳ - نیوکث • نامک = نامه (۱ - نامه - ار ۲ -
 - مک ۴ - نیوکث - ز) نامیلکه - سو)
 • نازوکث = نازو ، نازدار (۱ - نان = نان (۱ - نان - سو، ار ،
 نازوکی - سو ۲ - نازکی - مک ۳ - با ۲ - نو - ل ۳ - نین - ز)
 نازدار - ار ، ل ۴ - نازی - ز) • نای = نای ، ئی (نای - سو)
 • نازیک = نازک ، باز (۱ - نای سواي = نای سوا ، فی نواز
 نازک - ار ، ل ۲ - نایک - سو) (نای ژن - سو)
 • نامشتک = ناشتا (۱ - ناشته • نپت = نوه ، نواده ، فرزند ز
 گث ۲ - ناشتا - سو، ار) (۱ - نوه - ار ، سو ۲ - نوی - مک
 • نائفک = نافه ، ناف ، ناخ (۳ - نفی - ز)
 ۱ - نافه - ل ۲ - نایکث - سو، ار • نپرد = نبرد ، جنگ (۱ -

نَبَرْد - سو، ۲ - نَوَرْد - ار	- سو، ار، ل ۲ - نِیْزیک - مک ۳ -
• نَبِیْرَک = نَبیره (۱) - نَبیره	• نِیْزیک - ز ۴ - نِزَاو - ۳
گ ۲ - نَویره - ار ۳ - نُقْی - ز	• نَزْدِیکِیَه = نَزْدِیکِی (۱) - نِیْزِیکِی
• نَخْچِر = نَخْچِر، شْکَار (۱)	- سو، ار، ل ۲ - نِیْزِیکِی - مک
نَخْچِر - گ ۲ - نَخْچِر - ار ۳	• نَسْتَرَوْن = نَسْتَرَوْن، نَسْتَرَوْن
نِیْچِر - سو، ز ۴ - نِچِر - مک	(۱) - نَسْتَرَوْن - ار ۲ - نَسْرِین - سو
• نَخْشَک = خَوْبِرُو، زِیْبَا	• نَفْرِین = نَفْرِین، نَفْرِید (۱)
(۱) - نَشْمِیل - سو، ۲ - نَشْمَه - ل	نَفْرِین - ار، با ۲ - نَفْرِی - ل ۳ -
• نَر = نَر (۱) - نَره - ل ۲	نَفْرِی - ز
نِیْر - سو، ار، ز	• نَم = نَم، نَمِج (۱) - نِم - سو، ار
• نَرْگِیس = نَرْگِیس (۱) - نَرْگِیس	ل ۲ - نِیم - مک
ار ۲ - نِیْرْگِیس - سو ۳ - نِیْرْگِیز	• نَمَاج = نَمَاز (۱) - نِمَاز - ل ۲ -
ز ۴ - نَرْگِیز - ک	نِمَا - ۳ - نَوِیْژ - سو، ار ۴ -
• نَرْم = نَرْم (نَرْم - سو، ار)	مِیْژ - ز
• نَرْم کَوْن = نَرْم کَرْدَن (۱)	• نَمَب = نَم (نَمَب - سو)
نَرْم کَرْدَن - سو، ار ۲ - نَرْم کَوْدَه ی	• نَمَت = نَمَد، لُکِین (۱) - نَمِد
• نَرِیه = نَرِی (نِیْرِی - سو)	ل ۲ - نَمَد - سو ۳ - نَوو - ک ۴ -
• نَزَار = نَزَار، دَغَر (۱)	نَوَگ - ار
نَزَار - ۳ - دَوَاز - سو ۳ - زَرَاو	• نَمَک = نَمَک (۱) - نِمَک - ل
مک ۴ - زَرِپْچِی - با ۵ - زَار - ز	۲ - مَکِی - ک
• نَزْدِیک = نَزْدِیک (۱) - نِیْزِیک	• نَمَدَر = تَو، دَاخِل (۱) - هَمَدَر

نیا - ار، ک	مک ۲ - هندرو - ز
• نۆک = نو، تازه (۱) - نو	• ننگ = ننگ (رنگ - سوار)
• ار، ۲ - نو، سو ۳ - نو - ل	• نو = نه، شماره نه (۱) -
۴ - بقار - با ۵ - فی - ز	نه - ز ۲ - نو - سوار
• نۆک روچ = نوروز (۱) -	• نوت = نود، ۹۰ (۱) - نود
• نوروز - ار ۳ -	سوار ۲ - نوت - با ۳ - نهویت -
• نوئ روژ - سو	• نوزده = نوزده (نوزده - ار
• نۆک زات = نوزاد (۱) -	، سو، ز)
• نوزا - ل ۲ - نۆزک - ار ۳ - نۆسکه	• نه = نه، ۹۰ (نه - ز)
• سو، ک	• نههم = نههم (۱) - نههم - ز ۲ -
• فی = نه، هیچ (۱) - نه - ار،	• نههم - ار ۳ - نههم - سو
• ل ۲ - نو - سو ۳ - نو - ز	• نهوت = نود، ۹۰ (۱) -
• نیچک = نیزه (نیزه - سو)	• نهویت - ز ۲ - نهت - با ۳ -
• نیروک = نیرو (۱) - نیرو - ار	• نود - سو، ار
• سو ۲ - نیروان - با	• فی = فی، نای، غرو (فی - ار)
• نیوک = نیزه (۱) - نیزه -	• نیاز = نیاز (نیاز - سو، ار)
• سو ۲ - نیزه - ار	• نیازمند = نیازمند (۱) - نیازمند
• نیم = نیم، نیمه (۱) - نیم - ار ۲ -	• سو ۲ - نیازمن - ار
• نیو - سو ۳ - نیف - ز	• نیازمندیه = نیازمندی (۱) -
• نیم تاریک = نیمه تاریک (۱) -	• نیازمندی - سو ۲ - نیازمندی - ار
• نیوه تاریک - سو	• نیاک = نیا، پدر بزرگ (۱) -

دانان - سو	ار ۲ - نهین - سو
• نیهال = نهال (۱) - نیهال - مک	• نیهانیه = نهانی ، پنهانی (۱) -
۲ - نَم - سو ، ار	نیهانی - ار ۲ - نیانی - ک ۳ -
• نیهان = نهان (۱) - نیهان -	نهینی - سو ۴ - نهینی - مک

وا

• وات = باد (۱) - وا ۶ - ۲ -	• واچیک = بازی (۱) - وازی - ار
فا - ز ۳ - با - سو ، ار ۴ - بای - ل	۲ - بازی - ل
• واتام = بادام (۱) - بادام - ار	• واران = باران (۱) - واران - ۶
سو ، ۲ - بایم - ل ۳ - باهیف - ز	۲ - قاران - ز ۳ - باران - سو ، ار ۴ -
۴ - باهیف - با	بارون - ل
• واپار = واپار ، بازار (۱) -	• وارانیک = بارانی (۱) - وارانی
بازار - ار ، ل ۲ - باژیر - سو	۳ - ۲ - بارانی - سو ، ار ۳ - بارونی -
• واکچک = واژه ، گفتار (۱) - ل	
واچه - ۶ ۲ - واته - ار ۳ - واژه	• واریتن = باریدن (۱) - وارين -
گ - ۴ - ویشه - مک ، سو	ک ۲ - قارين - ز ۳ - سو ، ار
• واپچتن = گفتن ، واژیدن (۱) -	• والین = بالین (۱) - بالین - ار ۲ -
ویترتن - ار ۲ - وچه ی - ۶ ۳ -	بالیف - سو
وانه ی - گ ۴ - وین - ار ۵ - گتن -	• وانگ = بانگ ، فریاد (۱) -
سو ، مک	وانگ - گ ۲ - بانگ - ار ، سو

• واور = باور د ۱- باور - ار ۲- ۲- قل - سو ۳- قلد - ل	• واور = باور د ۱- باور - ار ۲- ۲- قل - سو ۳- قلد - ل
• ورت = گورد ۱- گرت - ل	• ورت = گورد ۱- گرت - ل
• وایندک = پرند، بالدار ۱- ۲- گورد - ار	• وایندک = پرند، بالدار ۱- ۲- گورد - ار
• بالنده - سو ۲- بالونه - ل ۳- ۳- ووز = ووز، کشت (ووز - ز)	• بالنده - سو ۲- بالونه - ل ۳- ۳- ووز = ووز، کشت (ووز - ز)
• ووزتیار = کشاورز ۱- ووزیار	• ووزتیار = کشاورز ۱- ووزیار
• ووت = بد، ناپسند ۱- ۲- ووزیر - سو	• ووت = بد، ناپسند ۱- ۲- ووزیر - سو
• وود - ل ۲- بد - ار	• وود - ل ۲- بد - ار
• ووت بخت = بدبخت د ۱- ۲- ووزیاری - ار ۲- ووزیری - سو	• ووت بخت = بدبخت د ۱- ۲- ووزیاری - ار ۲- ووزیری - سو
• وودبخت - ل ۲- بدوخت - ک ۳- ۳- وورک = بیره، بچه گوسفند ۱- ۲- وورک - ل ۲- وره - ۳ ۶- بوخ -	• وودبخت - ل ۲- بدوخت - ک ۳- ۳- وورک = بیره، بچه گوسفند ۱- ۲- وورک - ل ۲- وره - ۳ ۶- بوخ -
• ووت خیم = بدخو، بدخو (سو، ار، ک)	• ووت خیم = بدخو، بدخو (سو، ار، ک)
۱- بدخو - سو ۲- بدیم - گ ۳- ۳- وورگ = برگ ۱- برگ - سو	۱- بدخو - سو ۲- بدیم - گ ۳- ۳- وورگ = برگ ۱- برگ - سو
• بدتوزم - با ۲- وولگ - م	• بدتوزم - با ۲- وولگ - م
• ووتیه = بدی ۱- وودی - ل ۲- ۲- وورم = برم، ازبر ۱- جه وور	• ووتیه = بدی ۱- وودی - ل ۲- ۲- وورم = برم، ازبر ۱- جه وور
• بدی - ار، سو ۲- له بر - سو ۳- ازبر - ز	• بدی - ار، سو ۲- له بر - سو ۳- ازبر - ز
• ووج = واژه، سخن ۱- واپه ۲- وشه - مک، سو	• ووج = واژه، سخن ۱- واپه ۲- وشه - مک، سو
• وچک = بچه، کودک ۱- ۲- ووزر = گوز ۱- گوز - سو، ار	• وچک = بچه، کودک ۱- ۲- ووزر = گوز ۱- گوز - سو، ار
• وچکه - گ ۲- بچکه - ار ۳- بچه ۲- گوز - ل	• وچکه - گ ۲- بچکه - ار ۳- بچه ۲- گوز - ل
• ووزورگ = بزرگ (ووزرگ - ل ۴- پیچو - سو)	• ووزورگ = بزرگ (ووزرگ - ل ۴- پیچو - سو)
• وراغ = کلاغ ۱- مالدو - ار، گ	• وراغ = کلاغ ۱- مالدو - ار، گ

• وِزورگیه = بزرگی دوزرگی -	بهار - سو، ار ۳ - بهار - ل ۴ - بهار
گ (مک ۵ - بهار - ز)
• وِستَن = بستن ۱ - وِستَن • وِهاک = بهاء، ارزش ۱ - بها	
ک ۲ - بَستَن - سو، ار ۳ - بَسته	با ۲ - بها - ار ۳ - بها - ز)
ل (• وِهاک = بهانه ۱ - بهانه -
• وِفر = برف ۱ - وِفر - ۲	سو ۲ - بیانک - ار)
۲ - وِرب - گ ۳ - بَفر - سو، ار	• وِهیشت = بهشت ۱ - بهشت
۴ - بَرف - ل ۵ - فُور - ز ۶ -	ار، سو ۲ - بهیشت - ز)
فُورَه - با)	• وِهیشتیک = بهشتی ۱ -
• وِفرین = برنی، برف آلود	بَهشتی - ار، سو ۲ - بهشتی - ز)
۱ - وِفرین - ۲ - بَفرین - سو)	• وِهیگ = بُزغاله ۱ - کار - ار
• وِلگ = برگ ۱ - وِلگ - ۲	کار ژولَه - سو ۳ - کهرک - ز)
۲ - بِلگ - ار، با ۳ - گَلز - سو ۴ -	• وِیاپان = بیابان ۱ - وِیاوان -
پِلک - گ)	ک ۲ - وِیاوان - ار ۳ - وِیاوو - ل)
• وِنجیشک = بنجشک، گنجشک	• وِیاوان = بیابان ۱ - وِیاوان -
۱ - مِلچک - ار ۲ - بِلچک - ل	ک ۲ - وِیاوان - ار ۳ - بیابان - مک)
۳ - چُولکَه - سو)	• وِیختَن = بیختن ۱ - پیژن -
• وِئَشک = پنشه ۱ - وِئوشه	مک ۲ - وِیژانَدَن - سو ۳ - پیژان
ار ۲ - وِئوش - ک ۳ - بِنوشه -	ار ۴ - وِیژان - ک)
سو ۴ - بِنوشه - ل)	• وِیراستَن = آراستن، پیراستن
• وِهار = بهار ۱ - وِهار - ۲	۱ - وِیراسته - ی ۲ - وِراستن - گ)

هاتفك و الإنترنت

ک ۲ - خستین - سو، ار ۳ - وزین | بست - سو ۲ - بوست - ز ۳ -

گ-۴- وسته ی- ۶) | بنگیس- ار)

پیشکش: ایک ایسی جگہ جہاں ہر شخص کو اپنا حصہ ملے گا۔

(1) 1980-1989	(2) 1990-1999	(3) 2000-2009	(4) 2010-2019
---------------	---------------	---------------	---------------

٥٥٥

(سو۲- بیمار - ار) | (۱-خوستک - ۲-خوارک - ار)

* 1997-1998 年 1 月 1 日以前に成立した法人

- تک - ۲ بیہن - ۳ - ہناسہ - سو | ۱۰۰ - ۲ - پیر - سو | ۱۰۰

$$= \frac{1}{\sqrt{\pi}} \int_0^{\infty} \exp(-t^2) dt = \frac{1}{\sqrt{\pi}}$$

بیوہ - سوار ۲ - بیوہ - ل (بیواز - سو ۳ - گواز - ار)

المجلة ١٧٥ - العدد ١٧٥ - ١٩٩٩

بید-ل ۲-بی-سو، ار، (پرینج-سو، ار، ل)

[illegible][illegible]

میتواند به صورت زیر در نظر گرفته شود:

(ویرده - ۴) | وشاد - ک ۲ - گشاد - ار)

www.elsevier.com/locate/jmb

گ-۲. ویردهی-۶، ۲-بیل-سوار،

© 2004 Blackwell Publishing Ltd *Journal of Internal Medicine* 255: 111–118

و جهان و دولت و غرض و امور ملک و ما و ...

هـ

هـایک = هاک، تخم مرغ جرده - سو ۲ - رازن - ار
 ۱- هیلکه - ار ۲- هیک - ز ۳- هوزرگ = هوزه ۱- هوزه
 هیله ۴- سو، ار ۲- گروزه - مک
 هت = اگر دهک - ز هت = هت (هت - ار)
 هج = از ۱- آج - ۲- آژ هشت = هشت (هشت - سو)
 هچدر = زیر، در زیر ۱- سو، ار ۲- هشتی - ز
 چیر - ۲- ژیر - سو، ار هشت ده = هجده، هیجده ۲

هَزْدَه - سو، ار)	هَکَر - گ ۳ - اَکَر - ار، سو، باء.
• هَشْت دَهْم = هَجْدَهْم (۱) - اَکَه - ک)	
هَژْدَهْم - ار ۲ - هَژْدَهْم - سو)	• هَکَر چ = هَرکَز، هِیچگاه (۱) -
• هَشْت سَت = هَشْت سَد	هَکَرِیز - سو ۲ - هَرگِیس - ار)
• هَشْت سَد - سو، ار)	• هَم = ۱ - هَم، نِیز ۲ - هَسْتَم
• هَشْتَم = هَشْتَم (۱) - هَشْتَم	(هَم - سو)
- ار ۲ - هَشْتَم - سو)	• هَمَار = هَمَار، شَمَار (۱) - هَمَار
• هَفْت = هَفْت (۱) - هَفْت - ل	- ار ۲ - اَژْمَار - مَک ۳ - ژْمَار - سو)
۲ - هَفْت - ار ۳ - حَوْت - سو)	• هَمَارِینِیَن = شَمَارِیدَن، شَوْرَد
• هَفْتَات = هَفْتَاه (۱) - هَفْتَا	(۱) - اَژْمَارِیدَن - مَک ۲ - ژْمَارِیدَن
ل ۲ - هَفْتَا - ار، سو)	- ار، سو)
• هَفْتَدَه = هَفْتَدَه (۱) - هَفْتَدَه	• هَمَاک = هَمَه (اَها، ماو - گ ۲) -
- ز ۲ - حَقْدَه - ار، سو)	هَمَو - سو ۳ - هَمِی - ز)
• هَفْتَدَهْم = هَفْدَهْم (۱) -	• هَمَا هَل = هَمَال، مَانْد، اَنْبَار
هَقْدَهْم - ز ۲ - هَقْدَهْم - سو)	(۱) - هَاوَل - سو ۲ - هَوَال - مَک
• هَفْت سَت = هَفْت سَد	۳ - هَقَال - با ۴ - هَقَبَر - ز)
(۱) - هَفْت سَد - ل ۲ - هَفْت سَت	• هَم اَیَار = هَمِیَار، دُوسَت (۱) -
- مَک)	هَم یار - ار ۲ - هَاوِیَار - سو ۳ -
• هَفْتَم = هَفْتَم (۱) - هَفْتَم - ل	اَمْبَا - گ)
۲ - هَفْتَم - ار ۳ - حَوْتَم - سو)	• هَمْبَار = اَنْبَار (۱) - هَمَار - ار ۲ -
• هَکَر = اَکَر (۱) - هَکَه - ز ۲ -	اَمْبَار - ل ۳ - اَنْبَار - سو)

• همباز = هباز، انباز ۱- • همیشگیه = همیشگی همیشه بی سو	• همباز = هباز، انباز ۱- • همیشگیه = همیشگی همیشه بی سو
• هفپا - با ۲ - هفا - ز • همیه = یگانگی دهفدانی - ز	• هفپا - با ۲ - هفا - ز • همیه = یگانگی دهفدانی - ز
• هم بای = همیار، دوست ۱- • هنام = اندام ۱- • هندام - مک	• هم بای = همیار، دوست ۱- • هنام = اندام ۱- • هندام - مک
(آبای - گ) ۲- آنام - ار ۳- آنام - ک	(آبای - گ) ۲- آنام - ار ۳- آنام - ک
• همتاک = همتا، همانند ۱- • همتا - ار ۲- هاوتا - سو	• همتاک = همتا، همانند ۱- • همتا - ار ۲- هاوتا - سو
• هم دین = هم دین ، هم کیش ۱- • همنار = انبار ۱- • انبار - سو ۲-	• هم دین = هم دین ، هم کیش ۱- • همنار = انبار ۱- • انبار - سو ۲-
(۱- هاودین - سو، ار ۲- هف دین - ز همار - ار)	(۱- هاودین - سو، ار ۲- هف دین - ز همار - ار)
• هم راس = همراه، دوست ۱- • هبارتار = انباردار ۱- • انباردار	• هم راس = همراه، دوست ۱- • هبارتار = انباردار ۱- • انباردار
• هامرا - ۲۶ - هاورئ - سو ۳- • سو ۲- هماردار - ار	• هامرا - ۲۶ - هاورئ - سو ۳- • سو ۲- هماردار - ار
• هفوری - ز • هنباز = هنباز، انباز (هفپا - با)	• هفوری - ز • هنباز = هنباز، انباز (هفپا - با)
• هم ساینک = همسایه ۱- • هنبان = انبان، کیسه ۱- • هبنانه	• هم ساینک = همسایه ۱- • هنبان = انبان، کیسه ۱- • هبنانه
• همسایه - با ۲- هاسا - ۳۶ - هاوما - سو ۲- هوانه - ار ۳- همانه -	• همسایه - با ۲- هاسا - ۳۶ - هاوما - سو ۲- هوانه - ار ۳- همانه -
• ار ۴- هاوسئ - سو ۵- هوم سالی - مک ۴- هنبان - ز	• ار ۴- هاوسئ - سو ۵- هوم سالی - مک ۴- هنبان - ز
• همکار = همکار ۱- • هونکار - ل • سو، ار ۲- هومکار - ل	• همکار = همکار ۱- • هونکار - ل • سو، ار ۲- هومکار - ل
• همیه = همگی (همویی - سو) • هندی = هبی، هبه ۱- • هبی	• همیه = همگی (همویی - سو) • هندی = هبی، هبه ۱- • هبی
• ز ۲- هبو - سو • هندام = اندام ۱- • هندام - مک	• ز ۲- هبو - سو • هندام = اندام ۱- • هندام - مک
• همیشک = همیشه ۱- همیشه ۲- آندام - سو ۳- آنام - ار	• همیشک = همیشه ۱- همیشه ۲- آندام - سو ۳- آنام - ار
• همدوگ = اندوده، اندودشده - ار، سو ۲- همشه - با	• همدوگ = اندوده، اندودشده - ار، سو ۲- همشه - با

• هۇش داشتار = باهوش، هوش	(اُنو-ل)
• دار (هۇشدار-ار)	• هُنْدُوخت = اندوخته (۱)
• هوشنگ = هوشنگ (هوشنگ	• انوخته-ار ۲-نۆتە-ك)
(ار)	• هُنْدُوَه = اندوه (اُنو-ار)
• هُو = خوب (خو-ل)	• هَنگام = هنگام (۱-هَنگام)
• هُوئيه = خوبي (۱-خوي-ل	• گ ۲-هَنقام-۳۳-هَنگين-مك)
• ۲-خاسى-ار)	• هَنؤز = هنوز، تاکنون (۲-خاسى-ار)
• هُوپ = خوب (خو-ل)	• هَنِى-ل)
• هُوپُوپيشن = خوشبو، بوى	• هُورخِشيت = هورخش ،
• خوش (۱-خوش بو-ار ۲-بُون	• خورشيد (۱-خورشى-ك ۲-
• خوش-سو)	• وُر-۳)
• هُورَم = خرم (خُرَم-ار)	• هُورِشيت = هورشيد، خور
• هُوزار = كم، اندك (۱-تؤز	• (۱-خورشيد-ك ۲-خور-ار ۳-
• ار، سو ۲-تؤزك-مك)	• خُور-سو)
• هُوزوان = زبان (۱-زُوان	• هُورَمَزِد = هرمزد، اورمزد،
• ار ۲-زبان-سو ۳-زمان-ز-	• اهورامزدا (۱-هُورَمَز-۳ ۲-
• زو-ل)	• اهورَمَزِد-سو)
• هُوزوان درانا = زبان دراز	• هُوش = هوش، ياد (۱-
• (۱-زُوان دريژ-ار ۲-زودراز-	• هُوش-سو، ار ۲-وش-مك)
• (ل)	• هُوش اديار = هوشيار (۱-
• هُوزوانيه = زباني (۱-زُواني	• هُوشيار-ار ۲-وشيار-مك)

• هیچی = هیچیه ، پوچی (۱-)	• ۲- زبانی - سو۳- زبانی (ز)
• هیچی - ک ۲- هیچی - سو ،	• هوسرو = خسرو (۱- خسرو
• هیچی - ک ۲- هیچی - سو ،	• ک ۲- خسرو - سو ، ار)
• هیچی = خشم (۱- پشم - گ	• هوشک = خشک (۱- و شک
• هیچی = خیم ، خوی ، سرشت	• سو ، ار ۲- هیشک - ز ۳- ایشک (۲- پیش - ار)
• هیچی = خیم ، خوی ، سرشت	• ک ۴- هوشک - ل)
• هیچی = خیم ، خوی ، سرشت	• هوشکیه = خشکی (هشکی - ز)
• هیچی = امید (۱- امید -	• هوک = خوک (۱- خوک - ک
• سو ۲- هیچی - ک ۳- هیوا -	• سو ۲- هیچی - ک ۳- هیوا -
• مک ۴- هیچی - ز ۵- امید -	• هوگر = آسان (هدار - ز)
• هوماک = مرغ های ار)	• هوماک = مرغ های ار)
• هیچی = اردو ، سپاه ، لشکر	• هونر = هنر (هنر - سو ، ار)
• هونر = هنر (هنر - سو ، ار)	• هونر و مند = هنر مند (۱- ک ، ار)
• هیچی = هشتند (هن - سو)	• هونر مند - سو ۲- هونر مند - ار)
• هیچی = هشتند ، گذاردن	• هونیاگر = خنیاگر ، رامشگر
• هیچی = هشتند (سو ، ار)	• (چرگر - مک)
• هیچی = خشم (پشم - گ)	• هیچی = هشتند (هیت - سو)
• هیچی = خشم (پشم - گ)	• هیچی = هیج ، ایچ (۱-)
• هیچی = خشم (پشم - گ)	• هیچی - ک ۲- هیچی - سو ، ار
• هیچی = خشم (پشم - گ)	• ل ، ۴)

- گ) • هیندوگان = کشور هندوستان
 • هیم = هشتم (هین - سو)
 • هیندوکث = هندو، هندی
 • هیندوکث - ۱ - هندی - ار) • هیندوکیستان = هیندوگان
 • هیندوستان (۱ - هیندوکیستان - سو)
 • هیندوکث - ۲ - هیندوستان - ار، سو)

یا

- یاتوکث = جادو (۱ - یاتو - کث)
 • یازد = یازده (۱ - یازده - سو، ار)
 • یاتوکیه = جادوئی، جادوگری
 • یاز = یاز، دوست (یار - سو، ۲ - ایک - ز)
 • یازده = یازده (۱ - یازده - سو، ۲ - یو - گ - یو، ۳ - یو - یو، ۴ - یو - سو، ار)
 • یاسمین = یاسمین، یاسمین (۵ - جه - ز)
 • یاسمین - سو، ۲ - یاسمین - سو، ۳ - یاس - ار، ۴ - آسپین - ز)
 • یاکند = یاکند، یاقوت (۱ - یووان = جوان، برنا (۱ - جُوان)
 • یاکند - گ - ۲ - پاخند - مک)
 • یام = جام، آوند (جام - سو، ار) • یووانیه = جوانی (جُوانی - ار)
 • یام = جام، آوند (جام - سو، ار) • یووانیه = جوانی (جُوانی - ار)

PIR

۳۲۵۶

ص ۷ / ۱۲۳

۱۰۰ ریال